



# بذکرات مجلس شورای ملی

صورت‌مشروح مذاکرات مجلس چهارشنبه ۲۶ ذی‌حجه (۱۷) اسفندماه ۱۳۲۵

- فهرست مطالب :
- ۱ - قرائت اسمی غائبین جلسه قبل.
  - ۲ - اعلامه مذاکره در گزارش کمیسیون بودجه
  - ۳ - تصویب صورت‌جلسه (۳۳۳) ۱۹۶
  - ۴ - تعیین موقع جلسه بعد - ختم‌جلسه

مجلس ساعت سونیم بعد از ظهر بر ماست آقای دکتر حسین خطیبی (نایب‌رئیس) تشکیل گردید

- ۱ - قرائت اسمی غائبین جلسه قبل -  
 نایب‌رئیس - اسمی غائبین جلسه قبل قرائت می‌شود.  
 (بشرح زیر قرائت شد)  
**غائبین بالاچانه - آقایان :**  
 امینی خراجی - روستا - بهاندی - رضوی -  
 قیاسی - کرائچی - مجید - قاضی - مهندس برومند -  
 بهر - عمیری - نوربخش - مهندس زنجانی - دکتر  
 ضیائی - ریگی - نیک‌سارهماپوئی - مهندس امدی‌سمیع -  
 فهیمی - یعقوب تهرانی - مهندس آراسته - جانپود -  
 دهجم - دکتر قراقرلو - لقوطی - ملکزاده - بانو  
 دولت‌شاهی - ادیب‌سیسی .
- غائبین بی‌اجازه آقایان :**  
 نادوئی - دکتر مصباح‌زاده .
- ۲ - اعلامه مذاکره در گزارش کمیسیون بودجه  
**راجع به لایحه بودجه سال ۱۳۲۶ کل کشور**  
 نایب‌رئیس - بقیه بحث در کلیات لایحه بودجه سال  
 ۱۳۲۶ کل کشور را ادامه می‌دهم آقای رامینفر مانبد .  
 رامید - سخن می‌فرماید از سند مناسبتش  
 ای که منظور بزرگان حقیقت‌پسینی  
 امروز گوید هفدهم اسفند باشد و دوازده روز بیشتر  
 بعید نوروز نداردیم، اجازه می‌خواهم که در خانه قانون‌یک  
 قانونی را که در اینجا تصویب شد مناسبت بخوانم \* ماده هفدهم  
 قانون محاسبات عمومی - مجلس شورای ملی لایحه بودجه

کرده منتهی ۱۵۰۰ تن قرار گیرد. امروز صورت درسی است که بچه ها کم از ۱۰۰۰ تن سال را در این بار پیدا میکنند یعنی حدوداً قانون عمل کرده اند. تصور میکنم همه این سالها از این رقم کم و پستی را جزو پویاستان دیگر کرده اند و باقی مانده در دست مدیران یعنی شعبه ها گرفته اند. خلاف قانون عمل کرده اند. پشت پرده های زلفان وانگه میکنند کانی از بودار خانه ها محروم و از زندگی ساقط شده اند. آزادی آنها سلب شده، ولی مجرمین چه کرده اند؟ خلاف قانون رفتار کرده اند، ولی گویا تاجرخ میرچند قانون برای معافیت - استعفا - اخراج کشندگان برانده قانون عمل کنند و احشای بندنه این آن چیزی است که استیجاب میکنم (آموزگار - مستنین اهیت بندگان) اما اجازه میخواهم سب همگاری با نمایندگان محترم یک دفعه هم از خورمان بکنیم ماده ۱۹ این قانون میگوید لایحه بودجه کل کشور درازان ماه هم نمی تواند قبضه مجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد شد البته بودجه ای که بر اول آگست مجلسی داشته بودیم در مجلس درین روز وقت مقرر دیوان لایحه بودجه را به مجلس داده بودیم و ما همان وقت باید از آن آگست بودجه ها میساخت می توانست این بودجه را مطالعه نموده نقادی شده بدونش پس بدھم پس میبینیم اگر کسی وقفه قانونی را در این انجام میدهد و این مداخلت حق و مداخلت قانونی را در برقرارند جرمش محسبند و زبان بر کرد باید بپردازد ولی زبان بر کرد کار ملک را معلوم نیست از کی باید ممنوع کرد، زبان بر کردی که متحرکاً تعالی است که از او قلم بودجه ببلشک اده میکند، بعدی که شده است آن تنگ کلاغ بر اصلاح خلی عامه کرده اند خلی سیاستمداران است که در دلها پیدا کرده اند برای آنکه بودجه را آن چنان بدهند که قابل رسیدگی نشاند و در اینمورد نحوه رسیدگی در کمیسیون بودجه هم بر سر پهنه میشود جناب آقای نخست وزیر بدادست

میرمانند از تکلیف بازدارنده کرده اند، بعداً تصور آن بودجه ها به صورت خود را برای خود انگی میخوردند و از طرف دیگر برای اینکه کارها نشاند "کمکم آنچه بنظر خود میرسد قبل از شما خود جواب عرض میکنم جناب آقای نخست وزیر شما بدو که اده ماند از همه مشروطیت نامه امروز من نشان ندیده که کدام بودجه بود که اول همه تحویل مجلس شده باشد یعنی عرض میکنم که اول بود امری بود تا آنجا که مکتوبت بوده که این امکانها امروزی شما را داشته باشد شما بفرمایید بودجه معافانه شود منتظم بشود و اگر وقت تقویم بشود و این وقت لازم دارد و بنده حضورتان عرض میکنم که این مطالعه و این فروری برای اصلاح در مجلس هم وقت لازم دارد پس بنابراین من میبینم در وقت شما نسو بودجه که پیش میاید متعاقب این نظر است که دولت بوقفه قومی خودش هیجوتن موقع تنظیم بودجه توجه نگذرد حال تکذابی باشد این جناب آقای نخست وزیر بودجه های قبل بود که این قانون محاسبات عمومی بنویسند تا این نحو بود که این امر اجازه فراموش باشد که در نظر تنظیم مثل حالا بکنیم نظر آقای نویسی بگذراند عودی نویسی بکنیم که در وقت بودجه واقعی منظور میکنم بکنیم همان رقم در بودجه وزارت جنگ بگذاریم بکنیم دیگر در برنامه های واقعی و نظمی منظور کنیم البته بنظر نبود ولی باز بعضی بفرمایند که امکانات کم بر همان بنا بر میآید و ما سواد داشتند و اکیسیت و اقتصاد دانا به ادعای شما بنقدر نبودند بودجه ملک ما آموغ بودیم و بعضی میگردانند نبود و ملکی سرسام آور پرسنل و خود نهاد اما از تمام مطالب کم گذاریم برای این که کمبود استات نویسی بشود و یادآور میگردیم یکی از گزارشها که جناب آقای دیگر میگردانند اینها این کردند که اگر این است که خوشبختانه با مشافهه ما هم برین کوچک بودجه خود را در بوق فرستادند و طبق معمول این جنس باقی مانده دولتی است که احتیاج به اجرای آن جنس نیست و اینها نیستند موق قدیم بودجه های پیشین مجلس نبودند که کمکم

قدیم بودجه دوماه گذشته است و باقی هم به مثل است آقای نخست وزیر همه سالها وصولاتی میگردانند، خدمت بازرگان، مشافهه و ما میبینیم که بوجه شما یک مرد دانشمند و باطریق راه ما باخبره کم کم تغییر دادند و همان ایرادها را که از دولتتان بگیریم و همین سبب شکستهای این بنی میگردانند وجود امور خود آوردند ( دکتر شمیم - اضافه شد وجود ایشان ضرورت واقع نشود) اختتامه سالگان کنونی و تا همین بیان کنون ملاحظه فرمودید هر حال عرضی که بنده بکنم واضح نیست که این بودجه را جستم ما دادند چون من که از بکنیم عمل میکنیم چون تفاسط زیرا میروم تا عرض کنم که کمیسیون بنویسند رسیدگی کرده و قطعاً پیشین بنویسند اصلاحاتی از بود بود تا ضمن اصلاح توضیح و تفسیر بلایوت بر ممالع بود تا آنچه که جناب آقای دکتر شمیم باقی مانده است بنویسند و منضمی و از بودار آسوده اقتصادی توجه بر مشمولت در جهت اصلاح ملی و چون تقاضا در کمیسیون بودجه نمایندگان اده وقت داده خود شما در نظر بودیم تا بگذریم همین بودجه اصلاح شده تا اطلاع ممالع میبینند اینجا بودیم گفتند که کمیسیون بنویسند و بودجه وقت را بفرماییم چه صح بکنند پس برای مشافهه شد تمام صح جمعه من در ده ما بنده چند بار نظر کردم گفتند در جریان است و مستخدم هم بر میروند کافی میآوردند و درین بنده رسانید آوردیم باکت را باز کردیم طبق سابقه ما هم عرض همان روز جمعه است نمک تریه به بین المللی از طرف دنیا بدست رسید ولی باخبره بود رسید با اینکه منزلت پیش بهر حال درسی هم عیاست است این چاره منظر بودجه بودیم و بنظر بنظر مقرر طریقت این کار بود انگلیسی زمان است برای این که صح نیست و مفیدم نیست که بزرگان اصلی بنوان شود بنده مقستی از آنرا ترجه کرده ام. با کنون اجازه میخواهم برایتان بخوانم و هر چند نموده اول دروسی نوجهی است من در نمایندگان ملت نامت را خدمت خیرشاید خواندن این خبر مر این آن احسانانی و ادات که بعد از خواندن عرض میکنم این خبر تمام مربوط به جمعه است یعنی چهار روز قبل اوصاف اقتصادی - قاهره عباس و بعد با گزارشات با شما من نیکیوم

این سر به نیست است که سر اسان نشر اخبار صحیح در این چندین میلیون خرد افنده وارد ( با اصلاحات اسان را در مخرایله ) صلحه تمام میسوسد قاهره مناجا و بعد بدعه است از جمله طلفکاران نو شوری، امریکا، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، آلمان غربی و زاین امونیون نام برد ( در رشته الوی - قاهره کلاه خلی از مناسبتی برای دهم هر سریش از یک میلیارد دلار - بعد بلند مدت دارد که شری از این مبلغ دویسی که بایه بلایوتی سبک قابل تغییر است بزرگداشت کرد در پیش جمهور سریری بازر داشتند و کوتاه مدت خود که از دسترس بیست و نه میلیون دلار تغییر کند که اخیر میگردند تلفت خاری برای خورنده و در بعضی بنویسند از روی تلفت نامی آن به معنیت میلیون دلار که به تغییر خطری از رقم کوچک است تزل کرد به طور خاص در تقوی است که دستکاران خود را در کار که به بودید ریاضت مطالبات خود هم مباد بدعت از چنین آدمی با ما متعاقب دات که آخرت هم بر وارد لین نامر چنین آدمی نیست ( با لفظ اوسورج است ) او هفته گذشته داشتند با مته نموده که با خود داری از اول تمام طراد امریکا بزرگ جنگ کرسنگی علیه مردم مصر میگردند و بزرگ است و بالاتر از همه تصریح اشاره کرد که این را بعد هم از این پرداخت قرض خارجی خود بکنایه که فخر اقتصادی بر سر آوردیم بدین خودمان خواهد کرد و متداول را میگردوی چنین گفت آنها بیکه و التماس کنند با این راه را دوست مای است از دستخوان افتران بیدنگه مقرر خود را از قاهره فرا خواند ( این جمله مربوط به سفر راجه به سلطان است که تمهید یک پادشاه گراف : انعامت زیرا جنبه اقتصادی داشت ) سفرهای ناصر این واقعت را که خود بدیعی بود و گفت فر کردیم دیگر از امریکا کمبود یافت نخواهد داشت بسیاری از دستکاران ناصر هم جدید ناصر را در مورد عدم بازر داشت معیای خود مصلی نوبده اند و ناشی از رجن خوانی تلفی کردند که بدین منظور ایراد شده است که بطلکاران خود حال کند که نبینواند از عهده بیروانت

فرمان خود را بر آید و در صورتیکه آنرا بفرموده خواهد داشت که در مورد تعیین روز، به تمامه در تاریخ چهارم خرداد ماه بود. اما موضوع آنست که در امر ولو آنکه قصد زیاده است بدعای خود را داشته باشد علاوه بر آنکه آنرا در روز کشور معارضه داشته و در کشکی است و اساس فرموده آنست که با مذاکرات که مشکلات عمر مکتوبان را برساند مانع از آنست که مرده عمر بوقت بی برسد این بود نوشته میله چون همیشه بلائی نیست و نسبت امنیت جزو موضوعات محلول هتمندوست انسان قدر میداند که با یک مرتبه بیست و شش مرتبه بیست و شش مرتبه آموخت است که در صورت لزوم از برای میکند از احتیاطیکه بفرموده است و عمر مکتوبان را در این موضوعات که در وقت معتمد است (صحیح است) ما هم میگویم و معنی معنی را بیاد آوریم منوجه اهمیت است نسبت کثیر و غیر می شود این امر به خاطر رسمی دیگر بین المللی است که قضا میانش هرگز بی باک ملی باستان فرستد که با مستوف بین المللی توان قبول دارند رسیده با خواهد رسیدین عبارت تکلف از چنین است «بعد من مستوف بین المللی بود خواست در مورد زوسونین قسط چهارمیلاری دولتی از رسوبین قسط سه دولتی مستوف بین المللی پول پرداخت کرده بود و بدو داد و اختتامه توجه بر فرستاد چهار میلیون دلار بود و باین ملک حکم چهار هزاره ای دارد و اضافه میکند تا برای این بازرخواست که از ده میلیون دلار از اقساط واره بود آنقدر که بدهم متوقع افتاده است اخیراً مستوف بین المللی پول بنظور درخواست طلب خود و اضافه تضمین احساسی هیت مدیره بفرستد نامتوس هیاتی را بنظر مامور داشته است و در هر حال خود میگرد که با معتمدین مستوفین نقل از ما ناممناست جاری کند و پنجاه میلیاردی داخل داشته زوسونین سر میرسد عکس السل در صورتیکه نتواند باشد بالاخره برای خاتمه دادن با غیر سبب است از جهت تیرین برخین تکلفی دیگر سیاست مرطوب بهر پیشه بنی بود در قبول و اطهر مستوفین بین المللی مستوف بین المللی پول بدولت سر اضافه نمود که اگر از بنظر پرداخت هشت میلیون دلار از اقساط بدهم مستوفین

خردیدم و حتی بدو یک سر خود منضمم مذکور داده که چرا اگر آن خریدید و الآن هم در بازارها مانع بر از گند است (چند نفر از نمایندگان - الحفظ) ایسی سامیه انحصار است که چرا من بدو آنرا از میگردد که چرا فقط ۱۰۰ میلیون دلار موجودی آخر سال نیز داریم ولی ما ۱۰۰ میلیون دلار علاوه بر امانه احتیاجات موجود داریم در هر چهار میلیون دلار و تا توانسته بریزند و از مستوف بین المللی پول اخراج می کنند ( دکتر جعفری میفرمودند از این قرض گرفته و اما این قرض است را هم خواهند کفالت کشور فریب خوش را از سر برانند و در مقام قاضی بینم در روز شانه ما با کفالت نیز قرض بردن پس فردا پس دولت عراق به ایران میباشند و رابطه با حساب حال دوستانه است با ملوک شرق معاملات تجارتی را شروع کردیم و رابطه با دوستان بلوک غرب بر کمال استحکام استوار است آیا این سرشدی ندارد ؟ این تشکر علاوه ؟ آیا این وضع من اجازت میدهد که با کمال آزادی هر چه در وجه دولت میخورد بگیرد و نرسد نمانده باشم که متنی بافان و بدخواهان هر چه میخواهند سود نصیر میکند (صحیح است) آری ما تا تهیه را که داریم از بر یک شانه تمام و تمام از این تخمین ملنا است (حاضران با فریب میگویند که تخمین ملن که از زهری این شانه و بوقی بیرونی کرده (خواجهم نوری دولت هم بیرونی میکند) واقع بدو یک بد است نسبتاً آموخت تفاوت میکند از من منتون باشد آفتی خواهد نوری نه از دولت ، اما ملکی خوبوقت باشد که شانه غری لاره این میکند که من منتقد هم میآیم با این اصف حقایق را میگویم (احسن) اما هر گردیم بر سر صحبت بوجه خودمان بنامه در تهران نبود فقیر بچینه آمد گند بوجه تمام شده در کیسین رسیدگی گشته بکیسین رقم خبر خوب نبر شدی آخر میباش است تمام که این مطلب صلحت است بگویم یا نیست ولی از نظر دیگر شمیم این بود که بهتر است بدو گندیده است اینکه من بد را سرتوی

نگار روزگار کنیم (احسن) اما شانه اصلاح کیسین از نظر مال و آخر با یک اصلاحات دستور زبان چند روزگی نبود مثال کرده بود دولت کرده است دستور چندین ماه بطرفی بنامه دعوت شده و سلامتی گند که برای بعد از ظهور از خود بوجه مستوف بین المللی هر کسی که این دو حلقه ظهور بوجه و ظاهر فقر و مشقت شده را بدین بود این بود که این قدمه یاد بدهد و این مطالب مستوفین میباشند آمدن بود این قدمه بوقی مبرم دول گند بوجه تمام شد کتم چه سامن شروع شد گند همان پیش از ظهر تمام شد با نمره ها تمام شد خوب خود وقت رئیس را از مسافرت رسانید و فقط برای امر گند بود نصیر بوجه های ایران با مال و اموال مستوفین میباشند بقیه را هم کیسین هم خود نصیر کیسین از انگیزه نبود و بالاخره روز همه بوجه برسیم ششمین بار بدو یک بگفته بود که بطنی برای گزارش کیسین بوجه را بسا دادند برای مطالعه بنظر رقم قبل از همه چیزی که جلب توجه ما کرد این بود که اول اصلاحات کیسین بوجه را نسبت به درجه اول دولت آن اصلاحات باشد که مکلان توجه فرموده اصلاحات ۱۶ قسم بود از این ۱۶ قسم دو کلمه (کلمه) اصلاح شده یعنی در جدول اول بزمه ( کلمه ) را اضافه کردند بودند خوب این از احوال مستوفین در دست بود ولی ۱۹ خدیوگر یک اصلاحی هم قدمه بود یعنی کلمه (کلمه) با (اعانه) تبدیل شده بود این آموخت درست فهمید این تصاد بودی گند در وقت حبه کرد ما بدو تنها در دولت نمودند بلکه در مجلس هم وجود دارند پس در اصلاح کیسین بوجه کلمه (کلمه) اضافه نمودیم کلمه (کلمه) با (اعانه) تبدیل شد پس محترم کیسین بوجه امانت نشوند ( اشاره به آقای کتب کیان) مجموع اصلاح بوجه شبانی را هم بکنار خود نگارید آنرا خود دولت اصلاح کرده (سپس ایشان نصیر کیسین بوجه هستند) فرق ندارد برای

کتابه دیگر گفته اند. منحصراً بر پایه آنکه بزرگان -  
 ۱۰۰۰ است نام که بدون است مبارک را شده قدر از وارد  
 شدن موسوم بودجه مومن ایشانند عدل از بودجه‌های  
 فشار کتب فلا از حمران معزنان بر بودجه زیرا  
 موضوع بودجه هر چقدر هم در راه اهداف صحت  
 کنیم باز با رفقه سرکار وارد و در شستن از راه و مقاصد  
 خود بودجه حسته کننده است ولی هدف بیشتر از متوجه  
 عادلانه آطور که عرض کرد از کمیسیون بودجه خود  
 می‌گیری منتهن نباید شاید اگر آنها آنچه‌ها که باید  
 می‌کردند بنده امروز احتیاج به اینقدر ضمیمه نداشتیم  
 و برخلاف امروز بودجه ۱۹۲۷ میلادی و از سال زانسان می‌دهد  
 یک سلطنت و در حلاله و خود بخاسته همان چیز بود و در وقت  
 سیلنگار بولی روابط بودجه دولت یک کمی ملول  
 برای اینکه از این ۲۱۷ میلیارد ۶۳ میلیارد تریک به  
 نام بتن و بشماره شصت و پنج سی، که باید همین جا  
 بهمان نحوی که گفته بودیم ۱۴۴ میلیارد کرد.  
 دولت بودجه‌ها نیست که توی این می‌باید فتنه می‌بینند  
 و می‌رسد چگونه اند می‌گویند نظر هزینه سازمان بر ترمه  
 آن یکی چکاره است نظر هزینه در کج آن یکی چکاره  
 است نظر هزینه بر ترمه متعلقه ای نمود خرج آنها بشا  
 بود بیست و شش سات ایران هم کوجه شاید از برکت  
 شاهانه تابعی است در موقع افتتاح برقی سد در مینند  
 (انتظار) بل در عین حال بودجه در این می‌بینند که  
 خرج بی‌حاصل می‌شود ولی مأمور اداری وزارتخانه‌ها  
 با کتف پاید است و در حالیکه همان مأموری که از بودجه  
 ۱۴۴ میلیاردی استفاده می‌کنند کراوات سولنگاره  
 آهنی است کاتنگر ۹۰۰۰ تارا با پاره‌ها) متذکر که  
 یاد شد در همین بودجه تخصیص کراوات است ولی  
 کراوات را روی هدیگر می‌کشند. بر حلال ما از ۲۱۷  
 میلیارد برخلاف نظر آقای سرح مرحوم تصور که  
 بنیادگذار دولت فعلی بود که چه در افتاد و اصلاح  
 بر نامه دولت خلیل خود پیش بدلت خنای آقای علی‌نظران  
 می‌کرد چه در موقع معرفی دولت خودش که باید تمام

پولی و از هر طرف که شوند باید دو برابر زائد اداغه شود  
 زائد حذف شود و هم‌سر اصل از هزینه‌ها بر محصل هم  
 آخر رسید باز ۱۹۲۷ میلادی نسبت آن در مجلس با این  
 سروصدا که مضمون سرشار از دروغ‌آمیز (تخصیص -  
 بغرامید خود همین یکم اصب می‌شود ۱۴۴۵ میلیارد و دیگر در  
 بودجه ما در آغازهای در بسته مؤسسان تصور می‌شود و  
 بیرون میرود و مأمور می‌گوید که اصناف کرده‌اند  
 ضوابط کرده‌اند بر وجه معزای انبویل قرضی خانه آقای  
 نفت وزیر شایه فرماید بر یکجا که تفری  
 آسمان هم رنگ است ولی متأسفانه این حرفهای  
 که من در باره بودجه شما عزیز منتر می‌امران  
 نیست و منتر باینکه با کثرت مجلس فعلی نسبت چند  
 وقت پیش در آن یک‌هم که دولت جاسون بودجه خود  
 را داد و حمله به بنظر آمده بودم هر چند من مؤدبه  
 سابقان بودم. اما مثال این لغات عجیب و غریب  
 که در این گزارش بودجه‌ها خالی از آنها است متذکر می‌شوم  
 نظر خود را با وجه به بودجه شما عزیزان کم عین همان  
 جلالی را که در حرم صفاک دولت جاسون متوان کرده‌اند  
 نفوس استام چه در بنظر اینها بر اینها یکجا ساز داشته‌اند  
 چیزی می‌دانید و بدلت شما عین کبیس اجازه معیده  
 که همین جلالی را بخوانم که عین خواست من در حزب  
 مخالفان شدیم است منطبق بودجه‌ها از اینمیدانید با ضمیمه  
 ابرق آن متأسفانه غیر واقعی است قطع نظر آن فرینده  
 است اما نکات ظنیتری دارد که یک بودجه تومی‌دور از  
 اصراف و ترفیر است اگر تومی‌اش را حاضر به بحث  
 باشد با شمر اسراف و ترفیر از نام و زاری خود تا چه بود  
 دارد چون بعضی را ده متصرف می‌شناسم و بعضی دیگر  
 را نام زلفی می‌شناسم. تمام خلیا آقای دکتر مجیدی فرمود  
 که بودجه حفر نامی هم در آن یک تصبیل فرموده  
 (دکتر مجیدی - متخصری با دروست دست برابر اصل  
 است اخذند نمایندگان) یعنی همان در دست‌ها و در دست  
 درها که در کج کردن خواننده بودجه آنها بگر رفته  
 ششامه عیناً عمل استاد را تقلید کرده‌اید چون نهادم

شما در کدام دانشگاه ترفیع داشتید ولیکن تهیه کنید  
 آقای جاسون هم استاد یکی از دانشگاه‌های اقتصاد بود  
 است اصحت وزیر ایشان در دانشگاه هاروارد بود نام  
 هم گویا عالی‌گوار بود. بوده است در همه اعوان حفظ از  
 حسم حفظ کتاب کیریم بر او در حق حدت حاصل ما سخن  
 حق نکینم (احضات) شما هر کوی سبک اگر از است  
 کتیم استخوان صندیق کنید فقط در آینده در فکر اصلاح  
 باشد چون عین از فکر خدمت چیزی نباید داشته باشد  
 (یکی هم اشاره کرد هم حاضر در خدمت‌نشانستند و در سبک  
 کم ولی خیال نمی‌کنم اشتباه باشد مثلاً در آمریکا کمال  
 بودجه پست را در بودجه معبد نگذاشته زیرا  
 می‌گویند اینقدر حیل‌دار خرج است و اینقدر حیل‌دار  
 دخل و ما فقط - مانه قانون را گذاشتند ولی  
 می‌دانید چقدری می‌کند جناب آقای دکتر امین ۱) اگر  
 یک کسی آمد گفت این بودجه ترمی است آن‌ها هم کوچک  
 نشان داد اما بعد از این روز که می‌باید دستموش کواضفا کرد  
 خوب بود اما بعد از این خوب هم بر این کار بهار با بگر برداند  
 (خواجه توری - اینجا که مسکون عمل کرده اند و تمام  
 اوقام را آورده اند) عرض نکردم عین عمل عرض کرد  
 تری که اما با تمام این تفصیل که یک قدری هم جنبه  
 رفح خشکی شما داشت آهانجی ماه زودتر بودجه‌تان  
 را دادند که این تقاضای کم می‌باشد و شما این اصراف را  
 نشانید که حتی بودجه را باقی بود در این بودجه  
 به حلال عالی الفاظ بسیار عالی ولی مانی و عمل بگی  
 تخیالی شما بوالهفته کتیم لا موردی از این قسمت برایشان  
 می‌خوانم کاهن میزان بگری موجب حصول اشتغال کامل  
 بعضی استفاده از حداقل ترفیع تولیدی که در نتیجه  
 هزینه تولید افزایش می‌یابد و همین اثر موجب تری  
 فیتها می‌شود که آن خود موجب کسری موازنه پرداخت  
 های خارجی خواهد کرد (اخذند نمایندگان) و بعد ما  
 که آن بکسری نماند ما که به بکسری چون منت می‌زند  
 هم خودش می‌زند هم عقب می‌رود هم جلوی ما ولی آخرش  
 معلوم نیست که چه می‌کند بر حال ایران ضمیمه و از  
 اینکه نه فقط که بگذریم در مورد اهداف این بودجه در

موقع بحث در ترمه وارد می‌شود صلاح در نظر تنظیم  
 است البته برای اینکه همه حقایق را گفته باشیم تمام  
 اینکه در ارقام ایراد داریم در حق اولیونش ایراد داریم  
 در نحوه درآمد ایراد داریم در نحوه خرج و مصارف خرج  
 ایراد داریم متصف ما شایسته حقاً در اهمیت راحت زیادی  
 کرده‌اند من تراشگر می‌کنم قسمی است در باره ترفیع سلطنت  
 براداشته اما خودتان هم می‌دانید که نحوه تنظیم هم مثل  
 خود ابرقم هنوز صود است یعنی آنها که می‌گویند  
 بودجه بر نامه‌های نمانند که وزارت خارجه را حاصل بود که  
 عرض کردم یک مرتبه بودجه اش را بطور اخص  
 جلوی تویبوستن است بودجه ایراستون بودجه کوه‌های  
 نهدان تالی الفالی در دستون صودی تویبوستن که مرتبه  
 توی بر نامه و مشخصه تویبوستن تویبوستن بودجه وزارت حرب  
 بلش تویبوستن تویبوستن تویبوستن تویبوستن تویبوستن  
 وزارتخانه است که بهتر از من می‌دانید ولی اینکارها با  
 توانسته بکند ما خواسته ما را گول بزند چنین  
 بر نامه ای در بودجه شما وجود غایت (مهندس ارفع -  
 بر نامه وزارت کشاورزی را بخوانید تمام قسمت‌های ما  
 ابرقم را زب آسمان) می‌رسد متأسفانه خیانت آبروی یک  
 بر افتاد این قسمت‌های بودجه بودجه وزارت کشاورزی است  
 بطوریکه بعد محترم اکثریت گفته احتیاج بحث  
 نداریم و با ایشان سد در صد موافق یکی از شاهکارها این  
 است که بچورت تکس عمل کردند هر چه موشه است  
 در مملکت توی این بودجه جمع کردند بنده وقتی خرج  
 خانم را تویبوستن در کلان تر کم هم که سهیم هستم دخل  
 و خرج تمام بودجه کل کسری آن شرکت را که در وضع سیر  
 گوشت ر دو سیر نمود لویا نباید می‌آید من فقط عایدی  
 خود را از آن شرکت در بودجه متزل خود متبرنام وارد  
 کم شما اگر بودجه با یک بی نام ملی تر شده و کارخانه  
 فند کجا با حساب آوردید این تریب که را که در وضع سیر  
 خیال می‌کنم که چنین است است که بودجه کسری و ما  
 هم افتاده کنید چون می‌گویند یک بولی هم‌ها از آنها

میکرد این مبلغ نسبت به سایر دولتهای سابقه باید  
 نگردد آنرا براندگان و تصرف قوابلین و آنچه که  
 شد میباشد از مجلس سه چوری گذرانیم ۱۴۴ میلیارد  
 را از حدود دسترس و نظارت شما خارج کردیم خوشان  
 میراند ، خودشان میوزنند و خوشان میوزند  
 در مورد همین ۳۳ میلیارد خوشان حساب میکنم اما  
 در موقع نشان دادن صرفه جوئی حساب آقای  
 رسا کرات سینه چقدر دقیق هشتم یک میلیارد و  
 ۶۶۷ میلیون و ۹۰۰ هزار ریال یعنی ۲۰۰ تومان هم اگر  
 صرفه جوئی نبود بوجه از حالت تعادل خارج میشد  
 تا در وقت موفق بودن شما بعد اما نوی همین بند  
 در آنمصرفه بشمارید چون یک میلیارد کثیر از سایر یکی  
 که متفرقه است هیچ کسری ندارد سی سوری است سایر  
 برای هر چیزی است که خود آنها گفتند این چیزها که کثرتین  
 که بوجه هفت سال اخیر دولت امریکت ۷۰۰ مایه  
 بوجه شما هم یک لکها یا هم میکنیم به پیشینه به  
 که میرسیم به حال ما مطول کرده عرض کردم یک  
 ملاحتی سطحی پیدا کرده ام بستان بخراف اول دولت  
 این بوجه متعلق نیست زیرا بوجه متعلق بوجه آنها  
 میگردد که از درآمدهای جاری و مالیاتی مملکت هزینه  
 های لازم برای پرداخت نمودن مدائن من چه جوانی خواهد  
 فرمود خواهد فرمود که بوجه برجامی و بوجه  
 مملکتی این چون متعلقند همه این اختلاقیات اینها  
 من کدمتکلیفین دورا دولت اول کنید خودن کردن شما  
 ۵۰ میلیارد ریال که متعلق بود در آن بودیم میگفتند که  
 کسری ندارم من هم حساب میکنم وضع کشور را  
 خواندم بوضع این بدین حالت مملکتان صرفتاف خودم  
 بکسی نسبت به سایر از شای و صورت میگردد بازی  
 تصور میکنم ما احتیاج به تقاضا نداریم زیرا وضع  
 مملکت ما طوری است که هر چقدر حقیقت بازرگانی بود  
 مردم خوشحال تر میشوند (صحیح است) ولی هر حال چون  
 آدم منصف شنید برای اینکه جای انگشتانی گذاشته  
 باشد در فرمایشات خود خواند که اینجا مستقیمه روز اول  
 گوش میدادم نلوبه اول دولت که مخالفت کسانیم هم  
 برای دستگاه بود و بازمندان و اینها کار کرده اند

همه هم پرداخت نمایند اما در عارضه بودی وقت بود  
 خودتان خوب وقتند بفرموده است که از اینها بفرموده  
 نماند بوجه منقد میگردد دولت بوجه از این بجهت  
 میکند بکنی در آدهای جاری مالیاتی است که من هم شما  
 مواظف بکنی در آمد سازمانهای ایستادگی و بازرگانی  
 با نصداری دولت است که خلافا شما موفق ولی در اصل  
 متعاقب بعداً بررسییم به این بحث که اگر قرار شد دولت  
 ناموفق باشد که بحثهای خصوصی منتهی است که در این صافه  
 کردن حقوق بگیر خودم را بکنند و این روی کار ماند  
 در پیشرفت امور با جاندار نام کی باقی میماند که بخزانه  
 مالیات بدهد امروز که در صورتی که است با دولت  
 غرض است متعاقب از اینها در صورتی که این عمل است  
 من اقتضای کرده که در صورتی که در وقت استولی کار  
 دست مرده باشد و شد مالیات بگیرد هم حال  
 بی شکتهای که بعد باید روشن شود این است  
 بوجه شما از پرورد کردیم بالاخره بفرموده در سه  
 بیرونه بودی که در این مملکت بتد دفعه اول ۲۰  
 میلیارد دفعه دوم ۳۰ میلیارد و دفعه آخر که کسری از  
 این ۲۰۰ میلیارد برانده بودم را سرمایه گذاری کردید  
 و الان نزدیک ۱۵۰ سال است نزدیک ۲۵۰  
 میلیارد سرمایه گذاری کرده اند و یک ۵۰ میلیارد سرمایه  
 گذاری کرده اند در هزینه اعم از اقتصادی اجتماعی  
 انتقابی هر چه است و با گذاردی بیاد یک در آمدی  
 باستاند است نه باشد در اعطای کجا است اما ۱۳۱ میلیون  
 ریال از این سفید بود آمد داشته ۱۳۲ میلیون تومان هم  
 حقوق میدهد بفرموده مقدمه هم از سازمانها بود میگردد  
 اینها همانند تامل را هم تعیین جعل خرابی دولت صحبت  
 میکنم در وقت است اول عمل قابل بود ولی مورد اختلاقیات  
 منقدود است اینها است که چرا قرار شد حاضر دارم ولی  
 آگاهی که ملاقات در عمل خودیمنه بنها حفظ هستند آگاهی  
 هم که علاقت نیستند سرشان را در میآورند بکسی  
 صرفه جوئی است بی استناد خزانه است و یکی و یکی  
 خارج است و یکی با شمس گری و دیگری فرمایشات است

اینها معنی ندارد برای توارن و تعادل بود خودت  
 است من در اندکی صحبت عرض کرده هیچ را از همه کس  
 بوجه برانمی و غیر این چنینک نشینند داشته باشد  
 ولی چه چیزی مرد که حقیقت را در چشم مرده مشکوک  
 نظایم این رقم محاسب جاولی من است کاردار آقای  
 نخست وزیر بهتر از من حساب کرده اند اما راجع به اضافه  
 کم عرض کرد صرفه جوئی است او بخزانه و بودا عرضی  
 باشد هم یکی یکی فرسه ملی یکی و از دست پشیمانی  
 من از سخن نشان شد امر صرفه جوئی شکر میکنم حالی  
 شما شکر کنید آقای صبیح پوری را اینکه برای خودم مالی  
 در عرض خود هیچ چیز نیست دولت از جمله میگوید  
 صرفه جوئی کند من هم عرض بوجه شما را اندکی  
 نیست از حرف من را قبول کنید اگر من حرف شما را  
 قبول کنم بوجه شما برمی آید کاتب صرفه را  
 میخواهد مستقل بگردد با یکی برای برانده قابل بود بود  
 چرا در بوجه گذاشته اند اگر در این اجرا میخواهد  
 صرفه جوئی کند چه بودی که صرفه مالی بازاری اقتضای  
 یک شبه خود بر اینان نویز دستخیز این فریفتان کبود  
 بجای دستن نشسته و تنظیم کشنده بود شما است که  
 میگردید میباید بیجهت برای افراد این مملکت  
 میگردید ما باید بشو قلیل هزینه را با یک وضع  
 سببناستگ بنهایی برسانیم که بوجه کذب و نام  
 زبانی برای خرج بنامش این نظرات قدس میگوید این  
 حرفتان را چه چون باید کهب شما که میگوید ما برای  
 تمام ساختها در مملکت است ندارد درست میکنیم  
 هیچ شکر سببناستی هیچ کاره ای هیچ مقابله کاری  
 تواند دیگر حتی یک دینار از خرج تان آخر وقت  
 که از نوع ساختن صرفه جوئی کند صرفه جوئی از  
 کجا دیگر باقی میماند بالاخره با نباید انبیا بعد  
 با اگر انبیا دادیم من حرف رئیس بوجه شما قبول  
 و کسی خودتان قبول داد بفرموده از جنگ که ایستود  
 بودی مواظف است که کم میکند کمی زیارت جنگه  
 کم امیدوارنده اما که امید کم کردی بی حقوق  
 هم مگر چند نفر میباید شما که یکی از مظار

بیشتر نشان استفاده از کارخانه حاصله از سایر  
 معادن در مملکت این است که ابتدا حقوق معادن  
 نشان خود را میسرند بالا بعد از آن وقت بیگانه ها  
 چه بیزمان از آنها کمتر است بعد از آن برای  
 که با هر ماهه اوقات که کمتر هستند بعد از  
 ماه معدن که چون در دولت چند نفر عضو دارند اینها  
 حقوقشان را میسرند بالا بعد از آن مدتی کارخان راوری  
 چه نظیری کرده اند حقوق آنها را میسرند بالا این دور  
 نندارد نمودار شده حق حقوق آنها را چه از هر چه میدهند  
 لذا عدالت حقوق بگیر که زیاد میشود میزان حقوق هم  
 زیاد میشود ای رفیق من شاه شاهان خندان ما این  
 است که بیلیند جناب کامرانده میزدند در هر حقوق ایها  
 بیخود نشان چه اختلاف دارد چه فقر و غنا معادن  
 توکل ۹۲۶ میلیون ولی عرض میگرداند غناست  
 برای آقایان که نشان میگردد جناب آقای  
 نخست وزیر امور فرنگی و آموختی و بیروت سا و  
 حاضرین که با علمای اسلام با هم میباشند و با هم در  
 ما حاضرین که با علمای اسلام با هم میباشند و با هم در  
 رفیق من میگرداند بیلیند از آنچه کمبود است خارج در است  
 که خواهد شد البته امیدوارم که فرمایشات شما  
 آنکالتان اجرا بکنند که فرمودند بنشینید و همه است  
 ساختن میگردانید میباشند که چنین چیزی نبودند  
 (فریاد بلند همه کس میخندد) اما ما طلب دوستند  
 استاد خزانگاه هم در دیداشناسی بشمار اوجه میگرداند  
 که باید سابقه استعان کنید بنده میگردانید بیرون خودت  
 امضا نمیکنی میگردانید برای اینکه بانک بین نمید  
 در مورد قانون استاد خزانگاه ما تصویب کردیم  
 که فقط برای کارهای برنامه ای و عمرانی  
 مجاز است دولت چون در وقت نشد در اینجا بگوید  
 برای این که خود هم استاد خزانگاه منتشر کنیم گفته ۵۰۰  
 میلیون تومان برای سازمان برنامه استاد خزانگاه  
 منتشر کنیم ولی سازمان برنامه که گرفت من چرا آن  
 ۹ میلیارد و ۱۰۰ میلیون میگردانید میگردانید که گفت

دوده اختلاف گفت صلیب و دیو بر روی شما من طرفدار  
 خازنه بر بوده عدالت هفت میلیارد و نیم را کرده  
 دستگیر طرح کرده همه سرفروش در هر دو نیم اعتبار  
 دستگیر که اعتبار میدهد هر کس اعتبار میخواهد  
 حاشا را بساز میکند من بپسند موافقت جیب شد که  
 تکلیف هفت میلیارد و نیم بانک بر کرد زمین کردید  
 این یک میلیارد و سیصد میلیون بان برای این میگردانید  
 از جمعهای میدهد کند دستگیر این هفت میلیارد  
 و نیم را گرفت که همه مجلس اطلاع ندارد خوب من  
 رئیس بانک مرکزی نمیتواند اینها اقسامان مدبر که  
 اگر بگویم میباید استفسار را نشان مقدم میگردانید برای  
 اینکه من اگر بپسند تر میگردانید میگردانید  
 میباید که این ارقام اعتبارش تکلیف عثم میشود و بعد  
 سیاست ارتقاء مالی منتهی میشود آخر دوام دولت  
 و نامهای خارجی است روزی در پیش این فریبون راجع  
 به نامهای خارجی صحبت شد پیش آقای وزیر که گفته  
 فلکای (امضا شد) لااوردی جعل کنید بود در دست  
 این فریبون داد سخن داد و نام خارجی امروز من  
 اقتزای دولت است ما نام خارجی بر ما همه نمایان را  
 تشبیه میکند و بعد از این نام برنامه نمایان اصل دوره  
 همه را مسترد میکند و وضع آن بسبب ملت میگردانید من  
 موافقتی یک میلیارد آنجا دیگر شما را نامد سرگرد  
 ندارید که چه را پیش موافقت باشد جبهه مخالف باشد شما  
 لایحه تادیب میگردانید از طرف جناب آقای د کتر رفیع  
 امین نشسته که شما باید کند در آن طرف کسان  
 نشسته اند اهل مطالعه میگردانید نامی روزی را بعد  
 کسبیتیم این بود لایحه میگردانید بانه دارد اذیت  
 باشد و امیدوارم افرادی را قبول میگردانید که توهین  
 به کسان نبود آقای د کتر رفیع این بسیار در مشرفی  
 هستند اهل مطالعه من هستند.

ریحند و چشم ولی این نامهای خارجی بود نوع  
 است یکی بانک است مثلا بانک بین المللی ۳۰٪ مبلغ  
 کمک میکند شما در این بوجه نام روی برنامه بیکه  
 ۳۰٪ را خودتان آماده کردید و ۳۰٪ آنرا بنام آنها  
 بدهند من رفیق کسبیتیم دیگر آنها دست که هستند را  
 میدهند ولی میباید آقای د کتر پور هاشمی چه میگردانید  
 جناب معتمد قرض را هم این را میگردانید حقیقت جناب راجع  
 را بر احسان میکند که در پور هاشمی من میباید آقایان  
 فرخنده آقای وزیر کلاهان را بالا میگردانید که  
 ما واقع و ورق مملکت را چنان کردیم بنده از شما  
 استعفا میکنم که همش را دستور بکنند تا آید  
 در این سازمان برق خریداری شده وقتها بی الحالی  
 آن معلوم شود آهای که عورتها را ناله و سالی و  
 در این معلوم شده است که جناب معتمد قرض و  
 راجع بکنند بمانند که جناب معتمد را با مقدماتی  
 زیاد خریدند اما جناب آقای هویا یک رفیق  
 است که از یک جهت خوب است از جهت منفی  
 عدم توانایی متولیان در تلفات میگردانید و آن این است  
 که ۴۰٪ در ۴۰٪ کشتند صور ۲۱ میلیارد ۵۰ که  
 سال اول میگردانید بیرون دولت جناب است معتمد قرض  
 تعلیل دارد و نام خارجی گرفت در ظرف ۴۰٪ ۵۰۰ ملی  
 میگردانید و نام خارجی میگردانید که انباشت استا اگر اد  
 به این رقم دارید از آقای د کتر حیدری که این بود چرا  
 تنظیم فرموده ایراد بگیرد گزارش در وقتها سازمان  
 برنامه از جمله ۲۱ فقرات ۵۰ میلیارد و نامهای خارجی ۹  
 میلیارد و نامهای خارجی میگردانید میگردانید که در ظرف ۴۰٪  
 ما نام تمام صورتات مجلس توانست است پیش از هیلیارد  
 نام بگیرد چکه که ۱۲٪ ۲۰۰ میلیارد بوجه سازمان  
 برنامه را از آنجا بین میکند شما این جواب بفرمانید که  
 ما نظارتش بگیریم ولی من میدانم که هنر آن نکندای  
 است که در مورد نامهای این آقای د کتر آموختی که  
 اینجا نشسته بودند فلکای دام که باید طرحهای از  
 لحاظ امکانات فنی نیروی انسانی و آماده گی تکنیکی

فکر بود که در حدود آنجا در راه و بوجه نقد در آنجا  
 و با یک بار در حدود یک کرمان حاصل می‌گردد است البته  
 اندوه که من التوجه به این عرض بود. در حدود آنجا  
 من سکه که هر چه در دست است و در حدیث من حاضر بود  
 تمام می‌گردد بعد که در حدیث می‌گردد چون در حدود آنجا  
 آمده باشد هر چه در حدیث می‌گردد که در حدیث می‌گردد  
 دولت است که در حدیث می‌گردد در حدیث می‌گردد  
 دیگری است که در حدیث می‌گردد در حدیث می‌گردد  
 و سبب است که در حدیث می‌گردد در حدیث می‌گردد  
 آنکه در حدیث می‌گردد در حدیث می‌گردد  
 یکبار بود که سال دیگر آنجا می‌گردد  
 از اجواب می‌رسد آنجا که در حدیث می‌گردد  
 حل اختلافات می‌گردد در حدیث می‌گردد  
 که می‌تواند است در حدیث می‌گردد  
 این و این یکبار می‌گردد در حدیث می‌گردد  
 تأمین نتایج است که در حدیث می‌گردد  
 آنچه باید دولت می‌دهد و می‌تواند تأمین میکند  
 سابقه و قریب سازی در دستگاه خزانه و در حدیث می‌گردد  
 دستگاه سازمان برنامه که در حدیث می‌گردد  
 زبان باز است که در حدیث می‌گردد  
 که امپلتر است با موافقت است که در حدیث می‌گردد  
 مربوط است بوجه در حدیث می‌گردد  
 مابقی است بوجه در حدیث می‌گردد  
 هست که در بوجه گذاشته اند اگر تعیین کرده بودند  
 که در حدیث می‌گردد  
 بکنیم و اینکه کارها بعد از تصحیح نمی‌گردد و الا  
 من دیگر به آن نرسد که در حدیث می‌گردد  
 اشتباه می‌گردد که در حدیث می‌گردد  
 و در حدیث می‌گردد  
 علاوه بر این رقم وزارت امور خارجه در حدیث می‌گردد  
 این چه کنند که تصورات شما برای کارهای این زمان است  
 بیرون می‌رود جلالت را مهم نوشته اند در حدیث می‌گردد

چون در سازمان برنامه آغاز و امکان تحقیقات و مسائلش  
 فراهم است و ضمناً سازمان برنامه هم یکی از کارکن  
 مهم مملکت است بوجه در حدیث می‌گردد  
 هم از سازمان برنامه استفاده می‌کنیم هم از دفتر کارخان استفاده  
 که من نظر شما که معاون سازمان برنامه هستید بوجه  
 از در حدیث می‌گردد  
 خود سازمان برنامه در حدیث می‌گردد  
 بتوانم بر آرد که که نسبت به سایر ای طرحه خود در حدیث  
 یک چیز است استخراج کردیم برای چه اسباب در یادداشت‌های  
 خود در حدیث می‌گردد  
 سازمان برنامه است که در حدیث می‌گردد  
 حل شود یا برای برنامه اصلاحات تکمیل شود خوب است  
 مثل ادارات جنسی می‌دهد ولی لاف می‌کند در حدیث می‌گردد  
 و بشود و می‌تواند در حدیث می‌گردد  
 شا اختلافات می‌گردد در حدیث می‌گردد  
 هر جا قدری هم با طول توجه کنید و باید  
 موقع درست کردن این و جستجو کردن این یکسبب در حدیث می‌گردد  
 این خود را همین است که یکسبب این اشکالی مگر همین  
 در حدیث می‌گردد  
 عاملی است که در حدیث می‌گردد  
 هر حال این یکی از مواردی است که قوانین را  
 توجه نمی‌کنند در حدیث می‌گردد  
 را که من تعیین نمی‌کنم خود شما تعیین کنید می‌کنم  
 که از آنجا می‌تواند در حدیث می‌گردد  
 دوست عقب مانده را بخت می‌آورد در حدیث می‌گردد  
 چرا؟ سازمان برنامه مطابق آن امتیازی که جنبه آقای  
 نخست وزیر فرمودند هشتاد درصد سهم است را می‌گیرد که  
 گویا می‌شود در حدود چهل میلیارد ریال از این مبلغ  
 چهار میلیارد در حدیث می‌گردد  
 داخلی را بجهت نمایندگان این طرح‌های متشنع می‌گردد  
 می‌دهد لغت جدید دیگری هم اختراع کرده اند بابت  
 طرح‌های متشنع را در حدیث می‌گردد





میدان که شما در آمد گذارت ماه را برابر کرده اند پس این را که بخت می‌داید در موقع نوشتن هم ثبت می‌شوند دانشنامه دولتی و در این مملکت هزار چیز خوب است چرا معاشی را می‌گویی که اصلا لازم نداریم و آفتاب مردم است به چیزهای خوب همی افتاد بکنیم طبق وضع اولیه و باید همان محضر را که در اینجا گفتند که باید جلوی مسافرت را گرفت که بخرج نبرود شنیدیم مگر این طبق ما خوب دولت بودمان جلوه هکلی حزب و دولت است اگر ما خوب دولت بودیم می‌توانیم جلوی مسافرت را بگیریم پس جلوه درآمد را بخت برابر کردید بنده برای اینکه کوتاه بکنم و آقایان خسته شدند بعد از چند روز صحبت آن واقف و با اعتماد و برایشان می‌توانم بالا هر کدام و سایر دولت داشته مسافت را علامت گذاشتیم باز می‌کنم نتوان میهم هر حال همه ما مستقیم که مسافران در یک بیخرفت نمایان شایسته است (صحیح است) که در تمام شئون مردم واقف باید شاکر باشند (صحیح است) مستقیم این مطلب فاشی از دولت است یکی بیوغ فانی و استعداد نفس شایسته است (صحیح است) یکی دیگر از آفرینش خوبتر که شایسته از منتر و طبیعتی مترمانه از آزادی استی که دادند که من از ایشان فریب نبرم فریاد بکنم بگویم و افتاد کسب و کار افتاد وارد است اصلاح بنود اگر اشتباه اقتصادمدت توضیح دادند بود (صحیح است) الا که یک سکوت فرستادن ملاحظه داشتیم آفتاب باید اشتد یک سکون قبل از طوفان را که می‌دانستیم (صحیح است) ولی من از اثر که آزادی است که خوب را خوب دیدم را بد میگویم (احتش) (کمانگر) - هائهای اهرائی و قضای خلیج زحمت می‌کشند نسبت به دوم یک کسی اثرش این را بدولی نسبت به اولی خلیج زیاد می‌تواند کمانگر عبیه از آزاد است) بنده در کلیات مودع قدمم بوجه نمرد تقاض بودجه تعادل با عدم تعادل بودجه توضیح عرض کردم خلاصه مایلم یک نگه می‌افزایم و مودع در آمد

برود نهان با مخالفان بود و مریوط این که معنی این تر حوضان هم از زندگی لوکس و فصلی دست بر می‌آید ولی آنچه کسر مریوط مریوط اقتصادی است با نوسان یک مملکت عرض کرده ام چند بیست و پنج میلیارد ریال سرمایه گذاری قلی این و آن سازمان را مریوط مریوط سازمان نامه دور مریوطا از تراره شده میلیون تومانی که در وزارت صنایع مریوطا برای توسعه صنعت گذاشتند تا سال شصت سال هت سال می‌گذرد (بالا تا - ۵۰۰ میلیون) و این حلقه که مریوطا صنوس گرفته شده مریوطا می‌تواند شده خوب برای تعاریف که به دولت مریوط نیست ولی ما خوشوقتیم که مملکت در حال رونق اقتصادی است آنچه که مریوط باشد تا من دور بودم آنرا اشاره می‌کنم یکی اشاره به دور و یکی اشاره به نزدیک یکی لایحه توسیلا دروز است و یکی قسمت بزرگ وقت و وقت شش اما عواقب بالاف توسیلا یک یادآوری می‌کنم چند آقای هویما روز یکشنبه با هیئت وزیران شده معانی اخلاقی شما هم حکم می‌کردید کمال واقف و شایسته است که ما بر همه دولت قبل را تقبی می‌کنم و برای یک چنین دولتی سیاست دولت قبل، حرفهای دولت قبلی یا سیاست باقی باشد طبق مرحوم منصور در اینجا دارم موقیبه شما لایحه بزرگین را آوریده اد که کلین بزرگین لایحه مریوطا (توسیلا) که حرفهای ما در زبان دیگران شنیده میشود و تکرار میشود قریز عهد کرده و گفته که ما هیچ وجهی من لوجو دیگر از توسیلا نمی‌گیریم (قرآنیول) - اولی را که در خود اتوسیل می‌گیرند از فرشته کلان می‌گیرند) به شما از این راه یک درآمدی برای خودان فکر می‌کنید ولی درآمدی که یک دولت فکر میکند و درآمدی که یک قتل برای دولت در نظر می‌گیرد باید یک فرقی داشته باشد درآمد دولت باید متبوی یک سلطنت و عکس العمل های بعدی باشد اگر بیکار، دوری، بدهار شما امید حرف زده در مقابل جسسه که خودنرا می‌حسان می‌یاد این مقدار که منکم شد و در صورت مغاکرات مجلس چه می‌توانی

که باز چند روز نوبت بعد در فغان زبوری که  
 نامش «۲۰۰ تومانی» بود ۳ هزار تومان را  
 ندهد این نکته دیگری است باید در این وجه جمع میگردد  
 که من همینطور خلاصه تا روز چهارم بود که با باز کرد  
 ملاصحه میشود تا روز ۱۰ که هرگز ما مایلیم در آن روز  
 یعنی ۴۰۰ میلیون تومان اسال شده ۹۹۰ میلیون تومان  
 این یک چیز شیبی است در صد مائه است اما این است  
 هوای تازه ملکات ما غیب میگردد باید پیش از این  
 مریضها ما را همین ترفه که گریه میکنیم بود روزگاری  
 ما ۲۶۰ میلیون تومان بود حالا شده ۴۹۹ میلیون تومان  
 یعنی درآمد گمرک در صد و بیست و بیست و نواصده / زیاد  
 خواهد شد ولی سود بانکه کافی باشد بطور دیگر این را  
 اینجا از صد مدهم زیادتر سود خواهد بود بطور  
 دو حالت دارد ما چنان زیادتر وارد مکن باید آفوت اگر  
 چنان زیادتر وارد کردیم توسعه منابع داخلی و احصای  
 نگردد یا اینکه چنان وارد نگردد باید ترفه سود  
 بانکه کافی را دو برابر کنید یعنی آن چیزی  
 که سابق میباید دو تومن حالا ما باید دو تومن این  
 آینه است که بر صرف کند تحصیل میکند شاگرد  
 در مقابل مالیاتهای مستقیم ۵۰۰ میلیون  
 تومن هم زیادی نوشته بودید باید همه مجلس  
 تجلیل میکردند میگفتند شاگرد نوشته پول میگردد  
 ولی حالا که میگویند سود بانکه کافی، سود بانکه  
 یعنی سه صد بانکه کافی که در صرف کند گرفته میشود  
 پس مالیات غیر مستقیم بود قابل که آقای وزیر  
 دارایی این حدت زیاد داد و انحصار میشود که جناب  
 آقای نخست وزیر متکرر بختن بجه این ابعالیاتی  
 هستند در تمام دنیا مالیاتهای مستقیم باید مورد توجه  
 قرار بگیرد پس چرا این ابعالیاتی که بود در تمام  
 مالیات غیر مستقیم میروند البته از لحاظ اعتبار و است  
 و از این بزرگی گناه در حال بود که او را استود گفت آیین  
 اعتبار و از این با خاستن این ابعالیاتی که مستقیم کنند پس آن  
 کس است که استقامت میکند اما مستود جواب نریک مطلبی

کرد همه چشما متوجه او میشود که کلوش را فشار  
 دهد اگر ایچور نو این بحث باشد شمشادخانه شما تشریف  
 نداشتی بجناب نفس توی در ضمن فراموشان که این  
 را همه عرض میکنم فرمودند توجه خاصی توسعه صنعت  
 و هنر اقتصادی میشود شما را قسمی که در این راه بیاض است  
 اگر خوب است مصفااتی را از این یکم در حدود ۶۰ درصد از  
 درآمدتان بکار فرمایید که با بهره ریشی خود دوست  
 مردم ما هم بگیرد شما صورت اصناف و صورت خدمت  
 دولت صورت دستگاههای صنعتی، بانکه کافی، یک  
 متن حقوق بگیرتین کردید شرح مصلحت است مد  
 عرض میکنم دیگر کسی را نگاه داشته بگری بکنده بطور  
 فرهای کوچک باقی مساله برای این گروهی کوچک چرا  
 نیاید که مسائل گوناگونی که هر چه بیشتر در آمدنی  
 داشت مایل است ملاحظه بعد چرا چشمان ما این  
 است که قطار کس در یک کاری یک قدری توفیق  
 پیدا کرده خفته این یکس این عمل که خلاف آن  
 از خودتان است چند روز پیش شاید یکسک پیش  
 میخواندم خبری لوئیس مرد هنری لوئیس صاحب  
 مجلات نام و فریون و لایق با ۵۰ هزار دلار داشت  
 شروع کرده بود سال ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ ۵۰۰ میلیون دلار  
 درآمد مالانه این مرد چو که البته ۲۰۰-۳۰۰ میلیون  
 دلار داشت و امالیات بعد اما که هنری لوئیس بوجود یابد  
 این مالیات را استیوات بدخته چندین هزار نفر در  
 این دستگاه میگفتند چندین هزار نفر را پیش و پشت  
 خودش کار میکنند این تکلیفات حال یک روز همه  
 است آفتوگا گویند روز همه را فرمانبای آقای کاتلور زبان  
 را چنان بگذارد و بگوید ما در وزارت پست و تلگراف  
 و پست داریم این کارها را روز همه را قطع میکنند برنده هایش  
 بیرون میآید این کارها را روز همه را قطع میکنند برنده هایش  
 باید ما بزرگترین شرکهای دنیا را داشته باشیم  
 هر چه فرجه در موانع با همزن حقوق آن دولت است شده

است (صحیح است) اولی یک جنین شرکت سزگی را  
 کدام دستگاه خصوصی باید کارهایش را بگرداند شا که  
 صنعموزن نوعی را با اینقدر ملاحظه نظر یک بنفرد با بیجا  
 و با خاستن خصم کنید چگونه مردم میآیند کارخانجات  
 دیگری اینچنین تأسیس کنند اولی این کارها را باید دیگری  
 دارو ساختند یا در اول قبل عدلی با صلاح آقای  
 دکتر جمیدی مابقیه خارجی آمدت عویش از ۶۰  
 میلیون دلار سرمایه بانک شما را از زیر این مصلحت منتف  
 جمع کردند بخرانج برود آقای دکتر حینی بدین  
 چرا از برای دولت شما عملی کرده است که اگر شما  
 سرمایه گزاری کنید در شرکت تولید نفت تان که  
 قط شای مالیات میآید یکسک اگر توفیق پیدا کردید  
 لایحه ای میآید که پیش از این کل مالیات بعدی حیث  
 شای نوی کس در وزارت دارایی است خارجی سرمایه  
 غنا میآید که این درست نیست این استرین مالیات  
 دولت و اینجا امکان کاری که هست شاید در آمریکا  
 باشد (صحیح است) چرا استیوات درست میکند که  
 همه کس را مالیات و اقتصاد دستگیر سرمایه گذاری  
 شود نه اینکه کار تجاری برای عوام فریبی برای نایب  
 خدمت یک لایحه ای میآید و تمام نهادت در دولت  
 زایم در بیاض بانک قدری بدانرا کنید در روزنامه  
 کاهی میخوانیم که موزون نیستی در خلق قفس فرق شد  
 و فر ما ۴۰ هزار اجودان است آمد و چه دو پولواش  
 هم تمت تعجب قرار گرفتند این مابین موزون یعنی کما  
 میرفته آقای حیی (حیی - کویت) میرفته براج  
 کار (صحیح است) ما زمین چینی طلا بهری چون سابقه  
 خدا مثلش شاید با استعمارین زیاد ما داریم خوشنای  
 که شاید از انگلیز یا با ابراست داریم ولیکن با اینگونه  
 لواط مطالعه ندهد با این وجه و بیضا، با این سلب امنیت

همه امتیازات استغاره میکنند ولی سوس اینکه بنشین  
 خصوصی را تشویق نمیکند نمیکند. از جهت اینکه کارها  
 را در دولت نکر که در چند میده از جهت اینکه یحیاب  
 بکارندان عالیتر به تعاضبات از برخی ندهد، میدهد  
 بشه این میشود که بنشین خصوصی شا بر خلاف میل  
 شان آن نوسه میوستر را از خود شادان میکنند میوهاد  
 داشتند میوهاد نخواهد داشتند بکی دردم اینجا میوهاد داشت  
 کردم میوهاد میوهاد من دره دره اخیر آقا کتر میوهادی  
 ۶۱ میلیارد دلار در وقت جنرال موتوری بود که میویلیارد دلار  
 آن سود خالص است و یک میلیارد دلار یعنی سیاهدانه  
 بود چه خدی مالیات دادیم اینجا میوهاد حاصل شا که شب  
 میوهادی صبح یک تصدیق میگیریم بکن نیست یا یک  
 روز یک چنین کمیاتی ما داشته باشه که یک میلیارد دلار  
 بشه مالیات حاصل ملت باقی در وقت جنرال موتوری از اهلایم  
 میروستیم سه غنی را ازها داریم ولی دولت و اعزازیم  
 باید حرف زده بعمل کرد تا اینکه حرف زدیم عمل  
 خلاصی را کردیم چون در بحث در آمدیم اینجا  
 میوهاد بدین بود آوری میکند اگر بر همه نگاه کرده  
 ملاقات استراحت نشود نخواهد توفیق یافتی بر سه باید  
 که در وقت مالیات تصدیق نظر نکنند نتوانیم اینجا  
 بگویم لاجاپر میکند و آقای دکتر بگانه بیاید  
 بگویند به اطلاع آراش میکند و این بدان دور هر دو  
 رشتی باشه قانون مالیات شا را حتی مردم و از دید مالی  
 شفا بصورت سه تا بنشین نخواهد کرد چون میوهاد آمد  
 است شایه آوری میکند گویا تکمرا اینها قبول نمیکند  
 میوهاد مردمی قی باشنده هر دو دالم بر کناری بنشین  
 و در اصل خودمان تصدیق نظر بکنیم سه خواهد دید  
 کاما بوقت حرفهای مرا توجه میکند و حق را بنا خواهد  
 داد (تصتدیر - ما هنوز نسیم نگرفتیم و میوهادی  
 نداریم اینجا موند موند در آقا شایه باشی میوهادی میوهاد  
 خرج میرویم اینجا میوهادی در خج بجا یک مطالعه مختصری  
 یکم بود چه میوهاد من روزی مستفید که بود چه میوهادی - ۱۰  
 ۳۰۰۰ سال پیش در انگلستان شرح و شفا بنامی را کتر شد آمد

و صد هزار تنه سال تبدیل شده که شرح و شفا اولیه ای  
 است برای هدایت طرف هدهده ای ملی و عدالت و شریع با  
 ملتی کردن کردن شرح و شفا تصدیق ملعی صهاینها را کموناش  
 بگردیم باز آخر شرح میآید صرفه جویی کیبک  
 صرفه جویی را عنوان میکند خودی در این بودجه  
 ۶ نوع نمود خرج بشا ابراهه میهد یک  
 پول است ولی ۶ نوع خرج، یکی عنوان در آمد  
 خادی دولت، یکی عنوان سازمان بر نامه، یکی عنوان  
 نوسه است یکی عنوان شرکت است یکی عنوان شنگه  
 است، یکی عنوان اداره کار، بشیول است یک عسک  
 مبارک المیضرت روی تمام این اسکنها پایه تصدیق  
 ملت میهد بر این یک ملت هم داده میوهاد همین کترندان  
 خرج میکند ولی ملت کتلیا دره و در وزارت خد کتری  
 باید نوع مناقشه باید بر بند ولی در یک صد کتلیا یکنگه  
 دیگر باید کتلیا قی است کتلی جلدوری از شرح بود  
 شود یا این نظر خودشان آفتابن کرد ما آفتاب کتری میوهادی  
 همین چون بکشور بریاد طهر و توانا روز کتلیا با این  
 طلب میوهاد شد اندوز اول از وقت شرکت کتلیا کتلیا کرد  
 وزارت امور بودقا بدل به خدایه شرکت کتلیا در وزارت  
 ای و برق کتلیا در وقت جیسات و صلاح هم این شتدین  
 حرفهای من در وقت مارین اینجا امینا امینا معاضف بر اینجا  
 خانه پیدا نکرده در خود آن نوسه است میانه بودع  
 در آمد است و این بودع در آمد هم در نوع خرج میوهاد  
 یکی بند افه است و یکی بند، بند افه آنستکه کار  
 صندوق خزانه ای دای دیگر پس کتر کتلیا بخدایت  
 دلی بند ای آنستکه میوهاد بلاضلع بشا پس میهد  
 اینجا سنجیده مر جوهر نمود را دارم خدا رحمت کند  
 دیگر ز یادشتر نیکتر آنستکه اساطیلی که میوهاد میکند  
 شاه اساطیلی است که آن در هر بود این دولت حاضر و دعواند  
 که عمل بود و متأسفانه در دست درجهت عمکر آن نوسه  
 پیدا کرد اگر در ملا دیگر باید بیاید چ در میوهادی بد

ملا و زاهدان در ماه ۸۸ میلیون تومان از بودجه موسوم دارد  
 با بقصدی از بند افه دارد ۷۰ میلیون از بند بحد ۸۸۸۸  
 میلیون و سازمان بر نامه و دوا ماکری نادریم که البته امرای  
 پروژهای مختلف شرحهای مختلف و مساطح حساب  
 آقای دکتر میوهادی آنکه افلا شرح میکند میوهاد کتلیا  
 ضابطه آنکه بعد از شرح میکند میوهاد مرایه کتلیا  
 طراح است برای این حرفها خوبست ولی نکر کرده درآمد  
 ملک است و با یک خزانه میهد که خود شا در آن  
 آن باشد تکلیف مردم و ادارات دولتی را بیکره  
 کتلیا من استند میوهاد کتلیا افلا طاهر خزانه ای که  
 برای این نوع خرج ما توی اداره ما شتند استند ما سوترا  
 ملاطفه کتلیا ما از طرف اداره و وزارت خد کتلیا فکر  
 اقدام طاهر خزانه را اول لایحه یک طاهر حال آید بودع  
 خرج صلح است امولا صلح اینجا بر حیصه است برای  
 اینکه آن تصریح انتقال که گفتند است که صلح  
 اینکه بعضی نسو عسوس که شوختر و خستند نام  
 تصدیق شده و این خبر ما جنبه آقای نصرت وزیر اجتره  
 در وقت بودع مصلحت میوهاد مصلحتی را تکرار میوهاد  
 دیگر خلاصه استقلال خود آگاهی کیوهاد میوهادی  
 نداشتند کتلیا کمبود مصلحت ملاطفه بودع مصلحت کند  
 دلی و شایه با میوهاد کتلیا که مصلحتان کتلیا نیست با ک  
 قی است دیگر این اختیار برای عسوس خوب این اختیار  
 املا بر میوهاد بریاد آفتابن میوهاد اگر نگاهی بطارقم  
 بودع یکم میوهاد حرفهای میوهادی بیژان بیوهادی  
 کرده اند حرفه بر شلی ساختن مرکز وزارت فله ها  
 خرد تیره و تفته، وسایل روز میوهاد و امثال آن زیاد شده  
 اینجا بیجهت میوهاد مصلحت با مصلح آن دستان که در ما کو  
 با بیژانند اینجا بیجهت میوهاد مصلحت که باید در  
 فلانجا میوهاد برای این نوسه مصلحت اول را نگاه میکند  
 مصلحت اول مال خود آفتابن است که ناز میوهاد  
 اینجا از همه خفت میوهاد در سال ۵۵ بود ۵۷  
 میلیون تومان ارسال شد ۷۸ میلیون تومان خوب لایحه  
 احتیاجی هست میوهاد است انتقاله؛ بلکه اول آفتابن  
 نایدند که بمن نوشته اند شوال کتلیا که این خرید

خدمات چیست ؟ بنده بر اینان معینم و حقوق دستمزد  
 هست . مریا و فوق العاده هم هست ، کمک کنار هم  
 هست ، من متونم که کمیسیون بودجه این گفتند که  
 مدافعان تبدیل نکرد خوب موزنت هم هست همه اینها  
 جای خود ولی حساب آقای نصرت زبیر ۵۰ میلیون تومان هم  
 خرج خدمات بودجه هم از این ۶ رقمی آقای دکتر مجیدی  
 کار کرد اشخاص غیر شایسته را هم نخراندم . هر حال لزوم  
 اعطاء کمیسیون بودجه است می آید و در مورد اینها نوشته ام (ماریو)  
 ۳۰ میلیون تومان آقایان میدانند منتهی چه ؟ ما از پیش و پیش  
 و سایر افراد نیز در این کشور خرج های سنگین کردیم تا بسازیم  
 دستگاه دولت در این مورد تا کرد آخر است . تذکره  
 لایحه آن مؤسسه است منتهی بنده بنام آقای ملک ملک  
 ملکی که یکی از خدمتگزاران مبارک است و در وزارت  
 پاپین سرمایه سنگت و چندین میلیارد سیرته هم که در  
 اختیارش می باشد از مجموع آن چهل و پنج ۵۰ میلیون تومان  
 ضامنی که عالیته و شکست ما در کوهه کوهه کوهه است  
 بانک می داری هم می بینم دیگر بیشتر از این نیستند  
 خوب ممکن است بگویند باید هر چه را زد ملک می داند  
 سرمایه های مردمی هستند که باید بکار می آید می توانست بود دیگر  
 سازمان غلامت ۵۰۰ هزار ۲۵۰ هزار ۲۰۰ هزار ۱۰۰ هزار  
 میلیون ریاضت خرد از اینان هر چه فروش می دادند امثال  
 برای ۲۴۸ میلیون کارگرم ۲ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان  
 می خرید برای هر بنده فروش با یکبار گرفتند که در این  
 آقای دکتر مجیدی خوششان نیاید صد و ۲۰۰ هزار ۲۰۰  
 میلیون تومان که در سال ۲۵۰ عسکر داشته اند  
 نوشته بنده میلیون خرج کرده بد بالا ۲۴۸ میلیون  
 عسکر سه میلیون و ۸۰۰ هزار تومان خرج میکنند من  
 بشما میگویم این مقدار کجاست مریا و فوق العاده ها  
 خرج های امانت نامه شد یک جای دیگر را بزنیم همین

قدستی که بنده تذکر داده که با صورت این  
 تیرم که نصحت زبیر حق داشته باشد که تمام موقوفات  
 مجلس را با یک اعطاء از این فصل که این فصل بنده  
 بحث بودجه اضافی است امسال گردان سابق میل یاری  
 بود ۱۰۰ دگر صمدی - امسال ۶ میلیارد است  
 میلیون هم امسال تمام امسال از خزانه است آن حدود که  
 الملائعات من حکم میکند تنخواه کردن بنی علی الحساب  
 خرج میکنند و میبویل الملائع میگردد آنرا پس میدهد  
 شایسته میبویاری که میبویاری گرفتند بقدرت رایس دادند  
 اما با تصرف مربوط به آقای میندر روحانی شایسته  
 میبویاری از مجلس صرف میبویاری ۱۶۰ میلیون و ۲۰۰ هزار  
 زیرا ایشان یک نیمه گرفتند که هر دو از تنخواه که  
 صرف میبویاری است و آنرا صرف میبویاری میبویاری  
 این بودجه بقدرت میبویاری است که مستقر میان ضمره  
 جوی شود و شایسته که در کمیسیون تصویب شایسته  
 دادند که موقوفاتی که از امسال که امسال که امسال که  
 از بودجه سال ۱۳۲۹ در قریب حرقی شماره دولت باید پول  
 مردم را بدهد بهترین کار فرما باشد و زودتر بدهد ولی  
 راجع به آن کارهایی که با میلیون تومان شروع شد  
 بعد در جریان روی حسن نظام بنویسند شایسته است  
 بی نظمی که در دستگاههای دولتی ۳۰۰ میلیون تومان  
 تصویب کردیم که امسال از این بودجه تصویب شد  
 شایسته بدهد تیرماری گفتند که در وزارت آموزش  
 دیوروش حقوق سلمین را از خزانه از بودجه امسال  
 نگرد بدهد بنده میبویاری گویم در دولت مجلس بنده  
 جطور این پیش بینی مثل بیاسال شده تا جایی که بیاسال  
 نیز آمده بود که امسال این کارگزاران میبویاری و بیاسال  
 طلب میبویاری که اجناس از امسال اینها میبویاری و تصویب  
 کردیم برای تشکیل مرکز توسعه صادرات ایران این  
 را امساله فرودمان در موشیکه این قانون تصویب شد  
 صورت مذاکرات مجلس هست فرمودید خرج های امسال  
 معلوم از این در آمده میشود معینطور هست آقای  
 دکتر گنگانه بایست بودجه شایسته که امساله  
 ایران توسعه شایسته امساله ایران هست از این

رفت حلالا داغت جوازت بیش آمد ا خواهه نوری  
 جوازت قانون جدا گانه ای دارد و نامزاین عمل آبیاریکه  
 خواسته بشد بعد تمام قوانین قبل را باید یک تصویب  
 مزی نه نامزاین عمل و اما بابت شیرینی در مورد کسکی  
 که مصدق بازنشستی میشود من بنده امسال از اینها  
 هیچ حساب کرده ای بلوغ جلدی مایک کارمند دولت به  
 اندازه تمام پول بازنشستی که مصدق میبویاری در وجه  
 مدت پس میگردد در مصدق شایسته میبویاری  
 بالاترین حقوقها داشته باشد پس سال هم خدمت  
 جمع آنچه که بابت بازنشستی داده ای اندازه حقوق  
 دوسال بازنشستی شایسته خواهد بود در صورتیکه شایسته  
 اشتباه نیست سال بلوغ تمام خواهد بود پس بطور این  
 اقتصاد دافن این فکر را تکرار کند شایسته که در  
 دولتی که در بودجه امسال شایسته شایسته بود که قلی  
 ما و اشخاصی سلطنت امپراتور صمدنا شایسته  
 آریا مهر و اول خدمت تمامه بروز دادند بازنشسته  
 میبویاری خدمت همین که امسال ۱۳۰۰ میلیون داشته ام  
 اشتباه شد که میبویاری هر یک را دولت شایسته  
 میکند تمام آنها شایسته خواهد شد پس ما یک  
 بودجه ای شایسته بودجه پس برای شایسته  
 باید داشته باشد تمامه من تب اشخاصی اینکار را  
 عرض میکنم شایسته باید بازنشسته یعنی چه بود در صد  
 بازنشسته حاشیای شایسته که کاسیکه در دستگاه میبویاری  
 کند کسیکه که نام دارد در دستگاه دولتی شایسته  
 کرد تمامه مصلحتی که شایسته عنوان میکنند ممکن است  
 اشخاصی هم امساله خدمت دلی لایحه ای بنده و تا  
 آخر نامه بکار میگردد از شایسته میبویاری خدمت  
 صحبت میکند بنک فوق نال را بکار و غلبه تبدیل  
 کرده ای هیچ فکر کرده ای که بهتر بود کسی را که  
 بازنشسته میگردد یک سرمایه به نام میبویاری میکند  
 این تیرم با این شخصیت با این توانایی که داری



۱۰- اگر نژادها در مملکت از مجاز هم یکدیگر معیشتی از  
 ۱۰- هرگز همه میگذاشتند، امر اختصاصی بعد از معض  
 ره بر است. و خزانه شایسته از نژادهای شما خلیج فارس  
 و خوزستان نشاءت جناب آقای نخست وزیر در جنس از  
 موجهه ما فر قابل توجه برای این است که کشت بدهند  
 چند بیگزار کار فرهادمانه برای آن عزیزان را پیشتر  
 یکساله بوسله دولت برای اطلاع شخص خودشان من  
 خواهم میگنم بفرمائید پاک گزینی صحیح تقدیم کنند  
 چون این رقم میتواند از رادریسی مسائل دیگر کمک  
 کند که تحلیقی میکند در امر بیگاری در مملکت ساه  
 در حال زشدات و در حال ترقی است زیرا در مقابل  
 بیگاری جوانان و مسئولین خانواده صحیح نیست که  
 بپرورده باشد. البته این موضوع کوچک است در دست  
 شهرداریها که بند میرسیم فصل سلامت میگنم، این  
 کماهای چهارواژهها را که مبلغ بیست و نه برای مملکت  
 است جمع آورید کنید، مگر اینها مربوط به سازمان دولتی  
 هستند اگر نیست که کمیسیون تبلیغی مشرف به امر شهردار  
 داد تقسیم شده اند و نوع همکاری دارند (نخست وزیر  
 مربوط پیشتر خصوص است) (خنده میایدگان)  
 در حال شما این رقم را میگنم که در این توت را  
 داریم صحیح هم هست دنیا باید باشد. ایران درین تمام  
 کنونی که در حال رفتن سریع هسته مقرر اجرتیست  
 داد آوق توت این قلمه در دیا پیشتر بینه است ۲۰۰۰  
 میلیون خرید خدمت اینها میدهد یکسایه اینها اینها بپردازد،  
 حمله پیش بگفتن هنری نژاد، بینه از یک مقایسه  
 شبیه بندی این بودجه خیلی بسیار کم و خیلی نریک  
 میگنم (احت) آینه شده اینجا مینیمم ما در امر  
 واقعی نهاده بین اللالی در حدود ۲۰ درصد بودجه ما را  
 اختصاص دادیم البته شانس نیست بودجه میاید بگفتن کردید  
 و هم بودجه نامه میاید بگفتن اتمام کردید در امر زشدات  
 آموزش اجتماعی همانند در ۲۵ درصد امر اطفال و  
 چهل درصد، خوب کنوری ۴۰٪ به امر قضایی توجه  
 دارد آ باباید توجه داشته باشد که این سرمایه گذاری با  
 آن آساکالی که اشعار کردیم. مراجع شود و قانون حقوق

مردود است و آنرا بگذارد. در سایر تقسیم شدهای شما  
 بود و از ما حاضر را بزم دوسال قرار ۱۰۰ میلیون  
 زادت کند و اگر در همین بودجه بود این داشته است که  
 مملکت ما مملکتی است که از اطفال کمی آب و کشت درم  
 هر سال با یک حقن مواجیه باشد تا مرده سی اشراک  
 شده ای این سدها به نتیجه نمانی بود پس این یک  
 مطلبی است که تمامه خودت و توت کی و سیری و کرکشی  
 مثنی سر و کار دارد، بیاید باید توجه به امر کنونی بیشتر  
 میشود فصل نولات اساسی کنونی تمام اصلاحات ارضی بود  
 متشتم که از اثرهای خود سگهای دولت شما کسی  
 است که ساز و کار این بودجه ای که سه وزارت کنونی  
 اختصاص داده بود همدهای صرف توت و کسر کرده  
 اما در مملکتی که برای تمام بودجه کنونی اصلاحات  
 ارضی ده میلیون اختصاص داد پس برای وزارت آب و  
 برق ۵۰۰ میلیون تومان اختصاص داد ما و این صحیح  
 نیست ما و مسئولان را بگزار توت و بنای حاضر همه چیز با  
 برق است و این توت و برق را عمل بود. بپردازم احتیاجات  
 مملکتی است که کنونی و کنونی مطلب اول است و شما  
 برای امر خشتی که اولین مطلب و وجیه اصلی  
 کنونی و بسات آقای توت کیسیون بودجه میاید بگفتن  
 اختصاص داشته، پنج میلیون بستی برای یک دستگاه  
 خصوصی از این هم بیشتر برای خرید توت و ابروها با بید دفتر  
 گرفت (مرتوی) یک رقم ۲۲ میلیون توانی برای  
 اصلاح وضع کنونی از طریق سازمان آب و برق در  
 شاهرود بصرف رسید) و به صرف ریسالت  
 را هم میدانم و حیوانات با جلق برص  
 خوب ما زمانه. برای تمام اقدامات جدید چقدر قرار  
 گذاشتند، آینه که توی این بودجه نشان میاید هیچ  
 میلیون تومان، این آن چیز است که با بیست و هفتصد  
 غیر پیشتر است) من خوشحال میبودم که بیشتر باشد  
 بپردازیم من خوشحال خواهم شد اینجابت میخوانم  
 قسمت ۳ صفحه ۳۳ لطفاً شما هم باید بفرمائید اداره  
 کل هندسی زراعی ۵ میلیون تومان مؤسسه

آفات و بیماریهای گداه ۳۰۰۰۰۰۰ تومان امفریور  
 مرج آزادی استا و بدهد که گنمش بودجه را بد تنظیم  
 کردید، آن اخصی بودن ما و این موردی نوشتن ما چنین  
 ایزاد برای ما در داد (نخست وزیر) زندگی هستن اخصی  
 دعوید است اولی فصلاً جناب آقای رئیس دولت از  
 و از ادب و نیرات و در سال گذشته اطلاع داریم من هم میرجا  
 صورتی دارم چون از ارقام زیاد صحت سنده نکرار  
 نیستیم، مملکتی که اساس زندگی چند هزاره است را  
 کنونی تشکیل داده و اصلاحات ارضی و توجه  
 خاصی به امر کنونی هست حدود ۲۰۰۰ ۳۰۰۰ ۵۰۰  
 میلیون تومان فقط نباتات و کوشش و جایی برای این  
 نمایش بخندن برای دولت نیست، این نشان میدهد  
 خبر کی زیاد دستگاه همه شانس نیست، چرا دستگاه  
 همه داده برای اینکه مورد احتیاج مملکت بوده  
 برای اینکه شما فلا توجه نکرده که در خود  
 مملکت همه شود مکتب است که بشر ما بده  
 که یک رقم برای ۱۳۰۰۰۰۰۰ بودجه میاید  
 حکومت ما چهل ساله چرا ۲۰۰۰ میلیون تومان رسید  
 آیا این رشد انقلابی است (رضی) برای میر جرای ضد  
 روشن نمانی است) من از جایدی قریب شما که برای  
 ریشه دوانیدم در دستا احداث کردید نامصولات آینه  
 باید بر ما کس را بر سطحی تشکر میکنم البته نظریا  
 من اتمام تعداد و این حساب نکرده که در اتمام  
 انصافی میکنند که مصلوات کنونی باشد که تا باید،  
 آنرا بگزار نکرده مصلوات نکرده، جناب آقای دکتر  
 میاید مملکتی که بشا گنم بعد در دولت سر گذانی  
 میکند که چرا گنم ما از ادب برای مای نظریه همه  
 میاید چقدر گره که این گنم ما در چهارده درصد از  
 تمام بودجه مملکت برای حفظ اراضی و کندن قیستان  
 مصلوات است ما در ظرف سه سال که بر ما کس میاید  
 داشته است که قیستان را با تمام داریم آن مالی که  
 خوب دوام میزند ما در جنوب شهر گنمید و سال  
 بعد دیگر نکاشند و قیست بالا رفت

شما اینها را جز گداهای خوب دولت میگذاشتید من  
 سخن روی شما نیست آقای و کس سعیدی شما هم نخست  
 وزیر نیستید و جناب آقای نخست وزیر هم شاید بهتر  
 از اینها بشناسند که گنم را میخوانیم همگانشان را یک  
 خود بود بیشتر معرفی کنیم، اینها دیگر در دوره فعلی  
 مملکت صحیح نیست، واضح میگنم بودی: بریزوز من  
 همکس مردم بریزوز نیستیم ما را با امپراتور ها میون شاخته  
 تأسیساتی را که آقای وزیر کنونی آقای مهندس اصاری  
 نقل دادند اینجا بوجود آورده بود آقای وزیر آب و برق ما  
 کما ز سرلندی استاده بودند و امپراتور خرابی که  
 صحت میفرمودند وزیر آب و برق آینه اینها بیافه گرفته  
 بود مثل اینکه تأسیسات را توت بوجود آورده خدمت  
 هم کن که کرده است اقتضات را و دیگر کن بر تمام  
 ندارد ولی جناب آقای نخست وزیر از این بد بزرگ  
 تاریخی که هم مرعون شاخته است باید استنبوه شود.  
 من از شما خواهش میکنم صرف نظر از آساکر گیوها و  
 فته کنید اما یک یک سوار شوید و بروید در مزارع  
 پیشه از این برای چند هکتار کشت اضافی استنبوه  
 میشود، زیرا که اگر از این آب استنبوه نکنم، آوق  
 این سرمایه گذاری زایدی که کردم صحیح نیست،  
 اگر هم شبکه توزیع آب درست میشد خوزستان شما  
 جویگاه میکی از ساگران خوشا که از این بر گنم توت  
 میگنم توت این همه بینه در زیر در بنا خشتیست،  
 شیرین میکنند و قلاحت میکنند آوق شما خوزستان  
 دارد بد محض و دارد بد محض میاید موصیکه شاخته  
 ترفیض فرما شده جانی بستم که سر کسم سرمان در  
 مکن باشد که بعد در بیرون بگوئیم مورد عتاب هشتم  
 می نسبیم آینه که شاخته ما میخوانم که آب  
 از توزیع کنیم و بدهد لایلی خوزستان را بشاید که کشت  
 محمول بالا بروید یک میلیون هکتار زمین در خوزستان  
 دارید و موصیکه خوزستان شما به بطور که شاخته ما  
 میخوانم سر مکن نیست میسانی بوجود آید که بتواند  
 بهره برداری بیشتر از سطح زمین کند یک می خوزستان

توجه به کرد و داشتند خویش را در آن کجا بود  
 من در دلم من تیرت میگویم قدم اول را برداشته  
 و بر خط جبهه میروم و این استادی گرون بود و بعد شد  
 خرمی طولانی بالا بعد نال شروع مائشانه همه سایر  
 همان دولت طوری است که من را زانمیدار نیستند فرار شد  
 يك مهندس فرستند برای استشاراء مشاوره منی باشد  
 و دفتر منی آنها شود اینکه يك ادارای شد بر اثر گذر  
 وزارت استادی در حال آن دوره به این مرتبه میروم که این  
 خود ترقی میبود و اینکه بعضی هایمان از مشاوره خرابی خوب  
 کار کرده اند اما در دوره استانی که در خان آقای بود  
 دوام مقارن بعد هر کار در او مرده اگر واقف شد که  
 این بودجه مربوط به آن است و بخوبی خرج میشود فعلاً  
 آماده میشود هنگامی که باید آموزش و  
 پرورش مالتوزی دوش دولت بر داشته نبود و خود مستلزم  
 کارگاه مرتفی در آن حیم باشد امروزه امور خود  
 مراکز و کمپننگه شده اتفاق داشته باشد به خرج جاری  
 آن رسید بود اعتماد نکند اگر اعتماد داشته باشد  
 همکفاری میکند هم فکرشان هم مینتر از نگاهشان است  
 میباید همکاریشان چه شیمی بود میدهد آقای دکتر  
 همکاریشان این جنبه را میدهد که همان خانگی را  
 در کارمان میباید هم کار روزگیان نبود اعتماد است  
 و سازمان بر نامه شما در گفتنیم کار را کرده در گیان  
 که میباید باورن و دولت آن واقف بودید که با اتفاق  
 وسط زمین ندها همکفاری ساخته پشت بقله و بشیریه  
 گذاشته بیشتر اگر بی خبر غرضش بودید گیان را هم بده  
 متأسفانه ۳۶ هزار تومان خرج چندین مشاوره استقامت  
 استانی کرد بر وجهه اشتراک فکری و ملی مردم راجع  
 بود که شرط بر اینکامها قبل از اعتماد آنها را بد  
 نبود خرجی جلب نکند (بدین سبب که محصل نبود  
 استعدوست گرت و شیمی چنانی در مسوولان سازمان  
 بکاروان و ناهماه و دستگامهای دولتی شما چندان آقای  
 هویدان و يك به خاتمه برانجام آورد و در چه همه آنها  
 صحبت شد بیستم دستگامهای که صرف میشود چو

صرف بود و مشاوره شعر خود من هم پیش آمد اداره  
 عهد و دهر استکار خود را نخواستند و خود پرودگی  
 شعر خوبی بنظر آمد که صدق کار شصت  
 و لا تو غافل از کار خویش و میترسم  
 که کمترین نگاه بود چه کم کنی متاع  
 قبل از او شدن به جهت وزارتخانهها از شما يك  
 استعفی و زورده هائول بود که بعد همیشگی شما بود  
 قبلاً تمام کوزهای حادی مسدود است دولت سعادت  
 و ظرفیت و انساب فوق العاده شما همه مخالفین را هم  
 ساکت کرده می فرستاد همان رویه را حفظ کنید  
 بدترین عقلم که مشاوران ما بود و در میان بود که  
 دوستان ظاهری شما تازان خیلی نوبت کرده و آن مطلبی  
 بود که من سابقاً وقتی مطالبی استماع شده بود نشان  
 اشتباهه صرف شد ترغیب آوردید فرمودید پس از اقامه و  
 رفتارها بعد که مشاهده بود و چه در کمالی با اهالی  
 صنعت باقیمن در او را بودی نگفتند جوابی شما را گفتند  
 این روزها شنیدم بودید اما لاخر خود را از سدا رفتن  
 يك شخصیت هم دارد پس نده استعفا میکند که در عراض  
 من این مطلبی را بیاجون خوب شسته شواهد ملاحظه  
 سیاسی میورن با قدرت اوقات حطاب نظیر من خود متاع  
 ایران و امرای دولت و با کاران حیوانت نظر موافق ما  
 مخالف خانگی است چه بچیز از دولت خارج نمانده و  
 آنجا که منافع کشور ایران ایجاب میکند موافق ما  
 مخالف بودم از دولت امم از روس انگلیس با آمریکا  
 غیره به این راه و وسعت کرد اما نظیر غیر جماعتی  
 ایرانی (سید) منظور کسفر ما بدین شان این عراض شده  
 سر قاص و آوری توفیق بیشتر شما است اصح بیشتر عقاید  
 در کارهای شما اشاره شده دیگر تجدید مطلب نمیکند  
 و اگر کسی خراب شده چند است ایرانیان غدا میخواهد  
 بخوانم فرمایند مخالف بدین میبندند صلور جوان رفت  
 دفع اختلاف من است شهر ری و تهران و ارتفاع در  
 قریه از کجا بکجا در زمان ۳۶ در قریه بلان اینها در  
 شان يك دولت نیست شان يك کماهی خیلی بزرگی در این  
 مختلفه بدین نکته بود است را که در بدین نکته میکند  
 و خاتم دان مردم در کارها است شایسته کمیجنگه

و غیر از هر که نگذازد يك بزه آری مانند هیبوت  
 پرواز را باید میگویم باید انفرادی و در کارها و دولت  
 داشته باشند تا شواهد يك مهربانی داشته باشند يك  
 کاری نکنند در تمام آوری که میتواند لواج شما نشان  
 میدهد خوشه نینباید از این بحث وادی در حال يك بوج  
 غالب و مغلوب که و مسکوک و دستگه دولت غالب  
 مردم در تمام این تصرفه هائول کرده منت کیست  
 منت همین آقای مهندس شده است فردا که از دست بیز  
 وزارت املا میانی میشود منت بعد از این فرموده فراموش  
 که از دست بیز وزارت میاید میرود بشر گفتن ایشان  
 متقابلان چنین منصفه ای مینباید شما باید از این  
 اختیارات و اختفارات مأمورین يك کمی کم  
 کنید بگفتند يك قوری با مردم خوش رفتاری  
 میکنند بیه مناسبت مردم بود ۳۶ و ملت میدهد  
 ۱۸ و ملت بیشتر قریس را بنام قریس میباشند  
 است غیر مستقیم مرقماید میتوانیم برقی مردم را  
 قطع کنیم آن طری که شاهنشاه میخوانند با این رویه  
 حاصل میشود باید ملاحظه دولت خودش در داخل بانه  
 این اصین شهر ترقی تا با یک عیب بقیت است  
 شهر داری کیست این شهر را در این شهر است که  
 تدریس کارگزاران در این شهر را میباشند و در این شهر  
 داشته و از دست شما هم در دولت میخواند اصین شهر  
 خوش شوهر کمر بعضی آنکسفر در دولت بیرون آمدن  
 پریشانی جز این بود و سایر چیز این میروند اگر کسی بد  
 دفعات استماع کند و مسئولیت است میبندد مردم در ادوات میدهد  
 در کارها به افکار عمومی هم که توجیه میکند چو خانه  
 خان آقای مهندس روحانی از همه شلتر است نامید مردم  
 نشان در نینماست هیچ توجه کرده اید که این جاه هائی  
 که توی خیابان میکند به بنید چند مالت کوچک  
 است کمترین سوله توجه به افکار عمومی روزی چند هزار  
 انمیل از اینجا در میشود حتی هه ها میگردد بعضی لوقت  
 ماه ها میگردد و مینباید این جاه است که بود  
 باقی مانده این کماهی با لانتها و قدر انمیلی

کار خراب بود که در ماه بود بازرگانی را در او مینباید  
 هر آن شود شما که این کار را میکند شما که مقررید  
 يك بار تریس نمیدهد که هائولری که جلب محبت  
 نخست وزیر میکنند نگذازد ملت هم توی دلی نگید  
 که وزیر آبیورق ما هر ماهی است من آرزو میکنم  
 برای خاتمه دادن بشاید این مسائل هائولری که  
 شهنشاه مقرر کرده بر نامه مهندس هائول را اصلاح میبندد  
 یکروز اعلام فرمایند که اصل مدی منشور افغان ما  
 از بین رفت دولته اداری است (احسن) بایتم سافه  
 نگذاریم آن مأمورین که بهتر میتواند کار میکند بدون  
 داشتن این مسائل را از دست مردم در دولت سانسال که بدون  
 مزاحمت مردم نمیتواند کار کرد کلامن و مسلط  
 دیگری از شما استعفا میکند باین امر توجه داشته  
 باشید آن استکه با بهترین حقوق دولت که با  
 عالیترین تصویلات در دولت بود نمیتواند زندگی عادی  
 بیشتر فراهم کرد کسی نمیتواند ترفندت بنماید شما  
 هیئت از عالیترین حقوقها بنا به استحقاق و مقامات  
 بر سر نه بودید فعلاً بیزیری قابل پس از اعزاز عارید فرما  
 اگر مأمورین در سطح بالا از ترفه ای اجادی هم  
 چیزی برایشان مانده باشد بهتر است تقاضا بجمیل  
 نکنند در این اثر نیکند مجبوری که فرود از دولت شما  
 رفت باید بیاید اویوس سوار شود چون شرافتمند است  
 و یک بار فولک و آکی سوار شود سعیدی در مالت میترم  
 چون منظور بایمان نیستند باین تعداد در اجتماع سوار  
 میگذارند شاید بنباید این مثل باید نغست وزیر در باغ  
 زرگی میبندت که شخصیتی برایش قائل میبندد ولس  
 امروز مردم عیش را انتظار دارند انتظار باید بیزیر  
 قضای که باید میگردد از منافع داخلی سعادت  
 میکند خوب میبندد ساخت ایران سوار شود آتوق  
 حرف قبول میشود ولی خود ما بخرج دولت از جیب

ما هر چه در لسان میخواند غده‌های گدشته را جدا  
 نمودیم چون تکلیف مندره قبول نمی گشتند  
 بسیاری از دولتمندان سه سلسله نوشته گند  
 فریبده سماعت صحبت بنام دولتیان دشمن متوجه نبودند  
 مغزین استخوانه خارجه فرامیاد که اولمه به‌هم در  
 مورد استفاده از تیرمه مجرمین اعتراض کسانی را که شما  
 کتیر که گذاشته از تیرمه کرده شده بفرموده و متغی‌یاف  
 باشند خیلی زیاد حرف بزنند که قسمت زیادش خود  
 بخورد ولی هر چه شد شما دکتر مریض هستید از تمام  
 حرفهای زانکه مریض هم باید بدوش بی برید بیایدید  
 این یک روییا را کتیر میگذاریم یک تیرمه سیدیه که  
 افتاد در مریض ضمن این برنامه هفتاد برسد هشتاد به  
 قانورست های قیوم عزیز من از کتیر منتهی دولتیان توجه  
 نکند این خبر ایتها که باید کتیر زدنوی کوچک و بی  
 کوچک بدیش کرد و با آنها هم توجه کوچک خوب از این  
 مسائل کلی که گفتیم شده راجع به هر وزارتخانه‌ای در  
 سلسله‌ای در مریض میگذرد و مریض را همانطور که مریض  
 کردیم سلسله سیاستی سلسله و یک جمله تالیله  
 سیاست‌گرایی از برای سیاست منقل ملو عوامان به بعینیه  
 دولت شما بقدر عورتوق است و بقدر خوش شانس است  
 و بقدر وقایع خوبی اتفاق میافتد (انست وزیر - هیئته  
 مجلس دارم) امچوارم شما بتوانید استفاده کنید از آن  
 شایه (خواججه نوری - دولت خوشی قریب است) برای  
 شما که قضاوت (خواججه نوری - جنابای بلطانی برای  
 هیئته) و اما بنسبت لغت سیاست مندره ما میخوانم از  
 وزارت خارجه شروع کنید و دستگزارت خارجه منسلط هر  
 خانوادگی خوب و بد وجود دارد ولی من ندیدم که در  
 اینجا تحولی حتی همین اندازه ای که آقای منتهی  
 روحانی در وزارت آبی و برق کرده پیش آمده باشد یکمده  
 خاندان خود روستی شهری در دهیای این وزارتخانه را  
 بیستاد که لایحه ای که خود خود میآورد برای دولت  
 که سواد دارد و میگوید ما آنها احتیاج داریم ۸ دهه

و باید مدعی بر میگردیم و در هر صورت آن آرد که گذشته که  
 سر کتیر داشته‌اند حقوق درسی هر چه در آن که مغز کتیر با  
 درشکه کش لایه منواله مغز کتیر در مورد مختار در شکه  
 چهار سلسله متواله منتهی اند چون برای شما هر نقطه منقل  
 که اینکت را باید اند که شرح میفیرا را ما هم میخوانند  
 و شرح فرم را - کتیر اینها دیگر کتیر سیاست نمیتواند  
 باشد باید که در وزارت خارجه باید انقلاب شود سر ف  
 چهار سال در وزارت خارجه کتیر میگذراند که بعد از آن آفتاب  
 منوع کنار میآوردی تهران را بخوردند دو مرتبه از  
 ایبانی بسودم رفتن جناب آقای هویفا خدمت برسی  
 ملکیت نسبت شما خود دارند بعد و باید پاک نمودیم برسی  
 میگویم و بند به آقای وزیر خارجه کتیر تیرمه  
 میگویم برای هیئته منتهی خارجه امیکمک از موگین  
 نیز یک وزیر دیگر آن آند که باید در اینک کتیر است تحصیل  
 میکنند منتهی از انقلابی ندارم من قضا به سیاست  
 ایران در دولتین خارجی تیرمه که تلاکس این حرف را  
 میزند خواه میگویم تیرمه کتیر و ابلاغ بعد و واقعا  
 تیرمه کردی و فریاد من قضا به دفتر دیدم جواب  
 تلگرافی آمد تحقیق کرده بودید جوابی داد و فریاد من  
 جزوین را باید قضا فرستاد خوب وقتکه این روزها این چنین  
 کاری از کتیر شما نیست خاطر است هر چه قدر مالیات  
 بنخواهد بعد و هیباحتیاج به ۵ میلیون قرض خارجی بودی  
 مغزت خاندانی منتهی که چتر این تیرمه میدانند من  
 میدانم که هر قدر نیست کتیر این مریض میبورد انرا  
 هایت بکنند ای شروع دوستی را در این مأمورین  
 تیرمه کتیر که دیگر صحبت درشکه ۶ اسبه و چهار  
 اسبه شد شد من دلم میخواست این گرانهای  
 که اینجا هر هفته برای شما میفرستد و شما را در  
 کتیر این سلسله و انقلابی که از کتور های  
 مختلف طایع میکنند تیرمه تیرمه یکدیگه ولی البته  
 با این بودجه ای که برای وزارت خارجه  
 تیرمه است عرض کنم یک مقدار اسلحه نان را در مقابل  
 نماند و جنس و متعوز ملکیت بخیرید تیرمه میگویم

سندنامه وزارت اعطای دانشا جنی ارتباط را در بخار  
 میگذراند هر بنصره را در دفتر داشته که با وجود دهه... تومان  
 شده به پول خودمان گتیم که اسم تیرمه با سلسله این  
 صحبت نسبت مالیاتی که میخوانند پیش برانده تیرمه  
 چه خرجی میکنند در دنیا ساید در وزارت خارجه  
 خوب هایش نگهداشته بنوشند بهایش بیرون زده بنوشند  
 در روز بود و اگر دکتر شافقی امریه از فرانسه آمد  
 چون تحصیل کرده است ولی خاطر اینها اینکه بنده فلان تیرمه  
 با فلان سلسله نیست طوری: اگر کرد و در وزارت خارجه  
 استفاده میکنند ولی منظور این نیست یکمتره تمام  
 مأمورین با تیرمه و امثالین وزارتخانه کنار بگذارید  
 باید از فکر آنها هم استفاده کنید خوب ما را بگذارید  
 کار کنند ما در وزارت جنگ من خودم که چند سلسله  
 اخیر کمربای قوت قوی واقی آورده و آن حرف آقای  
 منتهی روحانی را هم قبول ندارم که میگوید در قضا منتهی  
 است که وزارت جنگه دیو شده آقای هویفا از  
 شهریور ۱۰ تا ۱۵ خلی وقت را که کمربایم فلان سلسله  
 اوضاع سیاسی قبل از ۱۳۳۳ ملرا از لحاظ هویت قوه  
 واقعی ملک خلی عقب انداخته باید توجه بیشتر شود  
 ولی مالیات اختلاف و فروری ملی و حسن و بی شرفی اقربان  
 و سرزادان در پیشانی قوت قوی ملای واقعی  
 باید همداربه قوت شود (صحیح است) لازمه این  
 کار یعنی قوت قوی روحی از جمله  
 درست کردن سنگه مریض و غلیب و ضعیف دلچنان  
 شانس نباید کم در خود غری ملای در مورد تیرمه  
 کارهای مثبت ملکیت یک خورده فریاد را بیشتر بنوشند  
 کرد اما تکی را که یک قسمت را خودتیم وقت است  
 دیگر را در کمربایم با تیرمه فریاد تیرمه است نجات باید  
 تیرمه است عرض کنم یک مقدار اسلحه نان را در مقابل  
 نماند و جنس و متعوز ملکیت بخیرید تیرمه میگویم

توقیف است ولی نسبت وزارت خارجه شما را در باره آقای  
 هویفا استقرار آرایش و امنیت ایرانی یک معاف  
 حقایق است آنها اینکه میگذارند ما دلال امروز  
 در ویتنام دارند حرج میگذارند به ماندن که اگر  
 ایرانی امنیت ناشنث اولمه پیدا کند از خیلی از بزرگها  
 بر خیزد (صحیح است) ما ساریان باید یک نامعی شود  
 که ما یک مقدار تیرمه برای پول برای خرید اسلحه عدم برای  
 متعوز من حسی را میگذاریم با اسلحه عدم بنوشند اگر ما  
 خود در بزرگ انهم میبندیم چندان تیرمه چندان  
 آمریکا و چه دولت انگلستان که اوله یکمده صلح  
 میخواندند و بعد از آن یک ملت که روی هویت  
 ایستاده از بوجه خود داد و خرج میکند برای حفظ  
 صلح منطقه ای توجه بیشتری باید شنوید بیرون  
 پس کتیرت هایت بیرون خود میبندد تیرمه با تیرمه  
 راجع به امنیت صلح فلان را در دولتیم که صلح قوی  
 لری است تمام تنهایی ما بعد از وزارت جنگ  
 مطالب وزارت اطلاعات پیش میاید خوب همانطوریکه  
 حمله دادید و عراض ما گویش میکند امچوارم  
 یک روزی هم راجع به کتیرت خوبیتا تمام من همین  
 را در کمربای تیرمه چندین از آقای منتهی که واقعا  
 این تیرمه خدمت و مقام و مدیریت نشان داد  
 از این تیرمه میگویم (صحیح است) شما تیرمه میگویم  
 که مریض ترانصد و دانمند و با شخصیت را من  
 یا گویان امروز سیر ذریه اینجا سرمایه های  
 این ملک کتیر و سلسله اوله از این دو نفر که  
 خوب یاد کردیم یک مثال خوب خودی شما میگویم  
 در راجع به وزارت اطلاعات منتهی را شروع کنیم...  
 مگر شما دستور دادید که تیرمه تیرمه انقیضرتن هایتی  
 من حین را بگویند حسین را بگویند؟ چنین مستوری  
 که نماند؟ چطور میبند که از دوی خوزستان شما  
 طاق حضرت حزب ایران نوین را میگوید استاذان را  
 میگوید بیسی کویا: میگوید خوب تیرمه هم میبند  
 ولی حزب مردم را یا بش میزند از جنب فریاد - حزب  
 یان ایران است) دکتر اخندزاده که در فیلم هم که گرفته



بود و موعود عیبت شد که طرفدار آزادی همیشه  
 قلم ۶ مومن اجرا سازد و بزرگوار آنچه مرد مطرب  
 مرد است حذف میکند نظری اداره ملی انقلاب را  
 رابط میکند خوب و ماکرم و شاید از نظر شما خیلی  
 و مکتبک انجمن تهرانی (مبدأ) متلاطم من معترض من شاید  
 وقت شما را بگیرد اما اکنون هم که من مکتبک متلازم  
 اینکه ما این فکر را دستگیر بودیم و بشاهد کردیم  
 آقایان هم نایب کرده که محسب ناشناسه بزرگ مدرا  
 نگارند در مجلس شورای ملی که مشروطیت مانرا کشید  
 کردند چرا را دیوبی ما مدبران که جمله را راست  
 کرد ما لاکتند و باین گفته غفلتند که در ایام  
 حزب مردم را از ترویش زنده این مهم نیست ولی خوب  
 نیست اصل خدمت است فتنه سازش خدمت تباریم  
 (خواجسته نوری - من اصنافی میفرماید ۱۰) بانو دکتر  
 وقتشاهی - من شکند را در روزنامه ایران نوین دیدم  
 (فرانچو فروری - این یک کار ملی بود)  
 نصفت و زور - این نام طلق شما را احسن بپشن  
 میکند.

میران اردو بود از من ماریه تعلیل میکند آن جوانی  
 که هم خوش است خدمت است کرده است بسیار خوب است آرا  
 هم تشکر را در می بیند وزارت اطلاعات و تبلیغات شما چه کرده  
 است این قیامه تفسیر مقصدی را دیوب و تبلیغات است دست  
 ترکت است نیست که این کار را بکنند این را خیلی نزد گذر  
 از این راجع بکار شما در مورد حزب اند شما بیجا را  
 که مدرسه میگذارید باید توجه کنید فردا کتاب  
 میخواند کتاب که خریدید مدرسه اساتذ را برانوار  
 میخواند شما این میزبان را بسوزانید تا که  
 میکند باید بپایند که مردم باید یکدیگر را  
 داشته باشند که بخواهند چرخ خوانند انفرمود - امید  
 ایران) انجمنه نمایندگان روزنامه های از جانب آقای  
 خود را بر اثر سه دولت است عدم تعین و تعین  
 صورت سید مصلحتی که نامشرا شوند مملکت تفسیق  
 میکند در آرزوید ما باید چند هزار تیراژ داشته باشیم در  
 روزنامه های جلالتی و بشود روزنامه که یک روز در ایام  
 بیاید چه بدنته است باک قسمت آن کمترین موقت و نامهم  
 مواظقت ملت هم متحرک میکند خود آنها هر کس صحیح بود  
 اقتضای بزرگ شانه ها بشود از شانه ها بزرگ  
 ما و دیگر و منتظر مبارک ایشان است هر روز هم میگذارد  
 کم است اما اینکه نماند دیگر در آنجا هست است آنگهی  
 روزی تانی فریروز تانی فریروز میماند دولتی یا  
 آن بود چه سری انریمه - کرشن مدون ایشان (اشاره به  
 وزیر آباد برق) بانگس و تعصبات آقای هویدا شما  
 کتاب خواند همیشه من ایام میکند شما  
 بکسرتیبه هم جرایم میبویستد مغفرت خارج را  
 متوقف کنید این چه الهامی بود که شد رسید و  
 صحیح همه این راه را رفتند ما باین ترتیب مطلب صحیح  
 دادیم که نویسنده دیگر کسی نمیتواند باشد چه اسرار  
 هر یک این روزنامه ها حققت دولتی متاخر هیئت  
 مسلط بالای سر آنها باشد باقیتر در عرض میکند از  
 لایحه هدایت شما در مزاحمت جرایم غیالی تصب  
 کرده تصدیق نشانید آقای وزیر اسباب

برق در غیاب شما از هنری لوئیس سست کردیم سالکی که  
 شامیخواهید بر ما را برسانید یا همایون روزنامه اش ۱۵۰  
 میلیون روز آمد یکسالش این است نه تنها به ملت  
 خوش کمک میکند در سیاست خارج هم کمک میکند  
 چرا اقوام نسیبیده چرا از اشماد ما استفاده نمیکنید  
 بگذارید یک چیز هم بر علیه رابعه و آقای هویدا  
 نبویست چه ماضی دارد (بمانندگان - چه نویسنده)  
 (هویدا - فردا ملاحظه میفرمائید) (دکتر الوانی -  
 بناخره نویسنده ما نویسیم) (خواجسته  
 نوری نویسنده ما روزنامه توفیق را فراموش کنید)  
 جناب آقای هویدا شامی فرمود که مریوطه کار میبوید  
 بیشتر قسم مریوطه مضره است این پیش میبوید است از  
 شاهنامه تشکر میکند ولی فریوری شما کوشش نسیبند  
 آتشخس که مریوطه مطبعتی است ماریوط است که توفیق  
 آن قسمی که مریوطه دیوان است کوشش کنی کشفه خوانی  
 دوری - رابع حلق جانیالی (چلو) میماند شما که  
 نخوشتن تلق خوانیده بکم اوقت سی میگرد  
 سلاب دیگری بگویم آقای خوانی مریوطه بنده شما یک  
 ترمیایه میکند توجه داشته شد صاحب مریوطه یک  
 طیب باید اختلافات منصف باشدند  
 صاحب مریوطه یک با نیکه باید مدیق باشد مصدق تبلیغات  
 شما با پسرده میری از همه بیایدند (صحیح است این  
 این جهت چنین آمو آسوت میبویند یا با اشکاران  
 قیامی بعنینه متاخره کما توفیق دیگر قلم روزنامه  
 که ضرر مملکت نیست ماسور نسیبند (خواجسته فروری -  
 ماسور ابداً وجود ندارد) رابع حزب مردم کمک میکند  
 ماسور مملکتی نیست ولی حزبی هست.

برق در غیاب شما از هنری لوئیس سست کردیم سالکی که  
 شامیخواهید بر ما را برسانید یا همایون روزنامه اش ۱۵۰  
 میلیون روز آمد یکسالش این است نه تنها به ملت  
 خوش کمک میکند در سیاست خارج هم کمک میکند  
 چرا اقوام نسیبیده چرا از اشماد ما استفاده نمیکنید  
 بگذارید یک چیز هم بر علیه رابعه و آقای هویدا  
 نبویست چه ماضی دارد (بمانندگان - چه نویسنده)  
 (هویدا - فردا ملاحظه میفرمائید) (دکتر الوانی -  
 بناخره نویسنده ما نویسیم) (خواجسته  
 نوری نویسنده ما روزنامه توفیق را فراموش کنید)  
 جناب آقای هویدا شامی فرمود که مریوطه کار میبوید  
 بیشتر قسم مریوطه مضره است این پیش میبوید است از  
 شاهنامه تشکر میکند ولی فریوری شما کوشش نسیبند  
 آتشخس که مریوطه مطبعتی است ماریوط است که توفیق  
 آن قسمی که مریوطه دیوان است کوشش کنی کشفه خوانی  
 دوری - رابع حلق جانیالی (چلو) میماند شما که  
 نخوشتن تلق خوانیده بکم اوقت سی میگرد  
 سلاب دیگری بگویم آقای خوانی مریوطه بنده شما یک  
 ترمیایه میکند توجه داشته شد صاحب مریوطه یک  
 طیب باید اختلافات منصف باشدند  
 صاحب مریوطه یک با نیکه باید مدیق باشد مصدق تبلیغات  
 شما با پسرده میری از همه بیایدند (صحیح است این  
 این جهت چنین آمو آسوت میبویند یا با اشکاران  
 قیامی بعنینه متاخره کما توفیق دیگر قلم روزنامه  
 که ضرر مملکت نیست ماسور نسیبند (خواجسته فروری -  
 ماسور ابداً وجود ندارد) رابع حزب مردم کمک میکند  
 ماسور مملکتی نیست ولی حزبی هست.

**فرانچو فروری -** جمیستان را زدند مکتبک  
**دکتر الوانی -** جمیستان ماسور در مطبوعه نیست  
**صابی فروری -** مطبوعه خود جانیالی اجترابا نند  
 وطن مگر کنن شما دارید  
**رابعه -** این است ماسور چند مرجه تکرار  
 شد شاید من این کلمه غفاری را به اشتغال  
 کرده قسم این کلمه متغایر و بیطرفانه سال را چه

نوعه معرفه باشد و سایر امور سر کرده را زکریا ترکیز می کند  
 نشانه آن چیست که ... مورد توجه فرستاد و سرای  
 بیله از آن محصولات کشاورزی مایه ز کسب آن فیس  
 تعمیر کارخانه صادر این هم پیش از آبیاری که فصل میشود  
 احتیاج در شر کت های نقدی دولتی بودنی چند روز اول سال  
 دادند این هم ظاهر برای کسی که مسکن ترقی مسکن  
 خود کثرت میزبان احسان می کند که اینها را می بیند  
 از من خود اطلاع دارم مشاهده کرد که هم مشترک  
 فکرش بود که گواهی های عدلستان بیست سه ماهه باید  
 باین نظارتها و تقویت راست تر از من باشد نظارتها را در خارج  
 و ملی عمل خیلی کم است که معنادی من هم دستکاری که  
 زیر نظر معاون جدید کما که امپراتور داد و ستد کار  
 جزویش دانسته اند با آن دستگاه ملی پیش آمده که  
 باید زود خود اما یک مطلبی که میل دارم  
 مکتوب آقا زکریا برادرانی من غرض است که کویا و کوه های  
 ایشان است حالا لغوی گرامی ایشان هست این سالها  
 جای است که نسبت به هر سستی که داریم بی توجهیم  
 من بیستیم آقا وزیر ویران اقدام دارم وراثت است  
 در کار طلبه صحیح ملاحظه نظر خوش میرسد خیلی  
 سریع پیش می رود خوب این یک نوع توانایی است چه  
 چهار است که در جای هم چنان تربیت ملی صحیح  
 پیش می رود اما در مسکن متیرا طبق حالا وارد جزئیات  
 نیستیم دولت کنه جای هم با بنشیند شاعر کشکی که  
 میکند به این دلایل و اسطوره و تاریخ هوشی ساز و  
 رنگه های زنی بلایز میکند املا این کما که به خود  
 کلاویزان ارتباط پیدا میکند حتی اینها جای آنها را  
 می آورد خرابی میکند بسته بندی میکند یک فردی  
 توجه فرماید به اینها که آن کلاویزان است که مدایش به  
 تاسیس می شود اینها هم گمانه گمانه همانی دادن کول کل  
 دان و برسانند هر این خوش نشان و دارند ولی آن کلاویزان  
 هستند که احتیاج دارند که شما با دستان برسد از دین  
 موقع آقای و کثرت آموزگار وزیر دارایی بعضی طلبی  
 آمده؛ جنبی آقای دکتر آموزد که در غیاب مستطاب  
 مهمی راجع به جای سر شده که تکرار مطلب نیستند

ز اینها داد آنها کم فترا اینشان ما مودرین آری می شود  
 که در کشور همین در خدمت آقای موقر انومیل آری بود  
 را در یک حیوان دودم که ما مودرین هم میا و در وقت تسبیح کرده  
 معروضه که ما بزرگوار با اینها مودرین نیز از حزب ایران نوین  
 زوداند و او باین میزود ولی برای حزب خودش پرچم  
 با اینها در (فرق اولیو در سه هم ملت تجلیل کردند)  
 البته ملت تجلیل کردند ولی ما مودر آری بود با وجود  
 متقاضی آمد و برای ما هم بدهنده شده است که ما یک  
 تجدید نظری بکنیم در اینکه وزارت آبیوری در جاهای  
 که می تواند عمل پیش ما پیش خود شا معمد کند  
 که آب را تعیین کند بقیه مردم را هم بگیرد  
 و الا کار نکند کار خود ملت دخالت بکند و هم شکر  
 برایش را همه بکنیم بیه تریب آری کار زود را آیین  
 می کند اما واقع میوزارت راه مسافرت تمام است در اینجا  
 استقامت از دولت توجهی فرماید بولی که ملت و  
 دولت میگویم چه استقامت میوزارت ایشان باشد که بول داده  
 شده باشد جاده تحویل گرفته شده باشد بسش ایشان  
 مناطق ملاحظه فرمائید می شود و بشراخ منتقل می شود  
 جاده خرابی است از زویرا می شود شا چغکری کردید  
 است به اولین جاده ای که بشا نتان می دهد جاده  
 فرزونین تر است که از بهترین جاهای مملکت  
 ماست هر کلاویزان را پیش از یک میلیون  
 نومان بیل داریم کم اکنون فرماید بازید این  
 جاده برودت تمام تست کرده و روشن شده است  
 و اسفاتها دارد از بین می رود آقای دکتر  
 شافعی در امر یکام های بیها میبگذرد است ؟ (دکتر  
 شافعی در فراسهم اینطور نیست) هنوز دو سال است  
 این صحیح نیست بهرحال بنده استقامت می کنم فکری  
 بنامتای این جاهایی که ساخته می شود متضاد است معلوم  
 باشد تا بعد دولت بعدا بنی حاد ما بد خراب شود یا خرابی  
 میایدی که ملاحظه فرمائید این را درست می کند یا دستکاری  
 شما متوجه زویرا کسی که از وضع آن بیبینه فکر  
 میکند که بهترین کار ملاحظه کای است غلای بکنید

ملاحظه کار می میدانم بود ؟ (خرج می کند بود) (مجنوریم  
 در عملی بنده است) بعد و شکست میشود با لاخا لوم  
 مانده اف و دشمنان خوب است) هر حال این جاده ای که  
 من عرض کرده جزء کارهای تکیه وزارت راه انصاف داده  
 است جزء کارهایی است که مشاورین خارجی و مستشاران  
 چاپ اندر قبضه ویرود بیایدی است انصاف دادند آن را کسبها  
 ولی حالا گفته شده بود جاده ای که برای اهداری آری بود  
 اختیار وزارت راه قرار داد باید جنبی آقای و کثرت معیدی  
 هر کلاویزان چند است غلای خرابی است (دکتر  
 معیدی - فرقه دارد) آبا با این بول می شود جاده  
 را خوب می کند اسفها است آیا صحیح است که آب قالی  
 را قیمت بخرد ولی برای بول متعلق آن سابقه بکند  
 و آن را بید برده برای اهداری جبه فکری کرده باید  
 حالا که مسکن وزارت راه آمد یک مطلبی را من بگویم که  
 سوال میکند استقامت می کند یک فله ای به استناد  
 کرمان موقوف فرماید سوال فرماید که بعد از این  
 فرزند که مسکنان را می بایست و چه مصالحت برایتان بود  
 هستند حقوقی آنها را بویسید آوقتیست که شتی  
 در یک شهرستان به ۶ رئیس اداره ما یکموج فصلیل  
 یکموج سوابق ولی چون یکی مربوط به دفتر قسی است  
 یکی مربوط وزارت راه و مربوط باقای وزیر راه است  
 دیگری مربوط به بنیاد آری آموزگار یکی مربوط به  
 دیگری است بولهای مختلف میباید خیال میکند خود  
 آن مشاورین دولت و معمر متشا اضداد میبکنند  
 بقوم اینجا بجای می است که در صلاح مملکت و بر  
 قطع ملت باید محبت بکنیم سرمایه گذاری که  
 دولت در امر راه آن کرده چند است و اشتراکی که  
 هر ساله متوجه این سرمایه گذاری است چند است  
 در آمدنیکه این سرمایه گذاری دارد چند استان جز  
 بدی مدیریت دولت چیز دیگری نیست جاده ایگان  
 قسمت میبازید آنچه میباید پیش از قدرت حاد ما بکن  
 دارایی بر اسراف بختی بود نباید راستی مکتوب  
 ممکن است بود که در گذشته نمایان اخذ نامه بکند  
 روی اسراف بود آوقتی اینها را هفتان هم نرسد برید

که آن تحفه هم که در دولت مدارک که حتی امدادی یک مفاز را بر آرمه های حمل میگردانند و لطف و احم حق میبندید که یکی از این پروردگار آه چرا وقتی بارش آمد مانند امراضی - بر آن عیوب ممال بشکوه راه آه است) بغیر قران (مهندس صنایع - آن نمره حذف شد) بنده هم اینک انداز میفهمم امضای دادی که از این امر بیخبر بودم و بر اهالی ما سنده میزد و با دوربین های دستگاهواره آهن کتر مژگان همان حاکم محکوم بود که اشاره کردم دستگاههای دولت بنظر تحفه میگردید مگر نوع پائین تر است معیوب بودند در آهن نمیتوانستند کامیون در آهن بسازند این تحفه را حذف کردیم تا در این ( مهندس صنایع - آن نمره حذف شد ) چون را آهن کتر است ما از راه افزایش براری سلطنت استفاده میکنیم ولی از آهن مهندسی صنایع خوشتریم این حذف نمره ۹ را مقرر کردیم که حتی صنایع بدون اینکه در اوضاع تولیدات یک کشور همیتی کشید ساختن راههای فرعی داشتند و بر آنکه موقت گشاید انجام دادیم بند در این منتهی بر اینستان نمی خواست اختلاف خیلی زیاد است آیا کارگزار صنایع که بیسنگه هالیون تقدیم کرده بودند و داشته اند یکی از فرمایشات بلند ایرانیان مژده فرموده که سالیانه ۱۵۰ هزار واحد باید ساخته های جدید ساخته شود. عمل ( شد ) یعنی - انطباق جاها شده ) در دستگاههای دولتی تنویری ایجاد شد ممکن است که امکانات اجازه نداده ولی اجازه بدهد منتهی حرف ما فراموش شاید یاد آوری شود جناب آقای دکتر آموزگار شما از جهت در آمدن خیلی دست اندازید که واردات زیاد بود ولی از لحاظ دین بر گشته بودند بانک ملی فکری بر فرماید که نسبت صادرات واردات و مدیج رفی را تنظیم میکند مستور لست متشکر کار یاد خوب مژده دانه که سود بانر گئی را هم دوربار میبندند اما این بانک نیبکند صادرات باید بشود بر پنج هم خریدی ولی سابقان بر نامه گزارش میدهند که بوجه کنونی در ایام با نمانز با کمال پرداخت نکرده امراض صنایع محبت دشمن استند میبندیم هم موازات ساخت صنعت آبیگری را که

دست مرده است یکی یکی میگردند بدهند شما حتی در این ماره فرمودید من چند روز دیگر مسافرت میروم (اخذ نمایندگان) ما همچو انهای سلطنت که من مراجعه میکنم از طرف شما چه بیژمی بنام نیر امین ) اینها که اینک خنده ندارند برای اینکه مملکت کنونی بیست میند بلکه تأمل و ادبشعه موارده برای اینکه مشکلات مدی را طوری فکر کنیم که مثل لوانج دیگر نتواند زود آتقار یابوریم همه ما احسن و تصرف خوب کنیم (فرقاجورول - در مورد زودتر هم یابورند میبندید چرا دو ماه زودتر یابورید بنده متشکر میکنم از اینکه دیده بودیم چه مربوط به مدارس حرفه ای ترقی یافته است نوجوی داشته اند آینه مربوط بهضنا است منوچهی ارجع ما این مدارس حرفه ای عظیم و عالی هم برای اینکه نظارت تحت دستان ۱۳۳۶ در یک طبعی شایسته این مورد را فرمودند و بزودی را چند روز دیگر مصالح سفید کردی در این مصالح بیشتر کلی که باده و سه شالی مربوط به شما است شده جناب آقای دکتر املا بیاید یک کار دیگری بکنید همان پیشنهادی که من در موقع افتتاح داشتیم که کنونی رشت کرده اصولا در این و استفاده از زبان قانونی آنرا امان بمانداری اطلاق و استفاده از تزیینات قانونی آن حذف کنید اگر کسی بگوید است باید کار کنیم در بخش خصوصی - جای دیگر و این دلیل داریم که مبدع جوش سرد دارند که بنده را میگردند این وضع مطلوب را پیش میروند حالا در مورد مدارس حرفه ای و کنونی از استفاده نوجو بیشتر یازشا دارم توانایی شما دروسی داشته خلی میبایست خیلی نشان دادند آینه که من در ظاهر میفهمم قوت و کمالات این قسمت هم توجه فرماید برای خانه دانه امر آموزش و پرورش طلی که بارها آقایان دیگر و دشمن من عرض کردم بازم توجه دولت را جلب میکنم و بخش آقای نخستوزیر که بقیه در این مورد با هم عقیده هستند آن توجه مسائل اخلاقی و تربیت اطفال است در مدارس تنها تصحیلات معقولت علمی کافی نیست آقای دکتر ما فایر آینه که ما با پیشانی از همه چیز توجه کیم آدم ساختن

است آوره به نمنای اینکه معظوظات مهندسی داشته اند نوأ ما اخلاق و شرافت و وطن پرستی و شادوستی يك اخلافت دوستی این نیست ما انداز ممالی آقای دکتر هادنی اگر آینه من عرض میکنم شما از کسان اعنائی برای بیعها ما وجود یابورید آقای دکتر شافعی سدها اشخاص را معیوب نشیند که بوسائل زور فرستد بشهرستانها و بوسائل دیگری برگردند به تهران و جز متافع خود هیچ چیز را نتوانستند برای ترفند خلی را بسوی بیعند میروند هم کشفند در انماز این عدول آنهائی که از خارج بر کشته اند دلاز و برای آنهائی که اینجا هستند ریال است و این برای این امر زودتر دیگر لازم نیست برای امر زیاد تحصیل بکنند بزودی بشهرستان سوسیالیستی خود را مطالعه کند بر این امر زودتر دیگر لازم نیست برای امر زیاد تحصیل بکنند بزودی بشهرستان سوسیالیستی خود را مطالعه کند اقدام میکنند بنیته بوسش این درس مستطی که در وقت بکشیم برای اخلاق بگفایزید و علی بنی در ادوار و در زمانه گویا جناب آقای دکتر شافعی راضی به مرارت بهداری يك مطالعه که دیگر کشته نگاری تخصصی مطالعات لاتینی است که در وزارتخانه متشکل باصا به خوب تانیبش خوب بلدند حتی حرفی نمانداری ولی آقای دکتر آموزگار برای نمونه آن مرصفاغه فرود کرد راه را انداخته خیلی ماهر خوب کرده ولی این برای نمونه بودندا در بالا آوردن صلح نگاری و پرستاری در يك مرصفاغه مایه که در جدول بنیت در يك سرفضاغه - همچون خرج بنیار بکنند در يك مرصفاغه - همچون اینها آقای دکتر هادنی با بیعها کمک کنند اگر آرزوی طیبی ساخته کمبرود در محل کار بکنند و يك حقوقی هم بگیرد و به مرصفا نگوید ویزیت شخصی بدهد و فقط فکرت این باشد که مدیجری بانک بیشتر بشود و بشهران برگردد و بنامش را بقیه کند آ بوقت دست بردم و بنده که دیگری میگویم در مورد بهر چه بفظا ممالی ما اینک قرار یابین دولت وزارت بهداشت قبل از مطالعه به گیری پیشی توجه داشته باشد چه قدر میبند اگر شده

مشاکره ولی ندمند جناب آقای وزیر کار دیر که محترم  
تشریف ندارند آنچه که راجع به اعراض همکاران صحبت شد  
بدرام چه گردند حساب قبل مطلق عرض کرده جناب  
آقای هویدا و بعد آمدند در آن صندلی چندین جزوه  
بسیار زیبا و نفیس مثل آنسبکالویدی برای یادمان  
فرمودند خود مدیران هم ندیده بودند فقط چاپ شده بود  
که در مواقع مین خدمت مشاورت میدهند اینها کافی نیست  
یادبنا کرد باید عمل کرد راجع به کار من استعفا میکنم  
سیاستی در پیش بگیرند که کار سطح شهرستاها کشیده  
شود ضرر کم جمعیت در تهران درست نیست آنچه آنها  
آب اینها هوای اینها را چطور پیش بینی میکنند من  
نمیدانم شاید که اینکه میتواند حق دارند بگویند که این  
مطالب مدعا بازگشته شده چرا نکرا میسکند و وقتان  
و امیکریه ولی اگر تمام وزیر این مطالب و خواستهای  
مردود که کورساق یکبار یادآور میشود ولی نتیجه ندارد  
خاصه اینکه سینه میشود و عملی نمیشود  
جناب آقای متمدنی تشریف داشتند راجع بوضع نامعلوم  
مندوق بازفتشکی صحبت شد وضع بازفتشکی غرضی  
است که دولت ناچار است که یک تصمیمات بزرگ و یک  
اقتضای خیلی جدی بکند ولی کار سازمان بیه حای  
اجتناب نشا در مملکت ماکولام و خیلی جدید است  
اصح فکر کرده اند که این کارها چندین دیگر بایست  
که بیه که دادند باید بازفتشکی به آنها بدیده  
میگردد بله ولی من چون یک کمی مطلع از جریان کار  
هستم و آن خرجهای عیب و غریب را مینیمم خیلی بلور  
نیکنم حساب آنها از نقطه نظر خودشان فقط نیست  
میگویند من امروز بپیل خود عمل میکنم و بیست  
سال دیگر که من بیستم ولی آقای متمدنی کار مملکت  
را یکسای بسازید که فکر بیست سال دیگر را هم  
کنند و فکر نمایش را نکنند شایسته است دیگر  
هرکار کسب و کار کنید که من دورتر آموزش کار را بلامعای  
تقدیم میکنم اگر خود هم در خانه نام نشسته باشم  
عالیات خوب وصول بشود ، خانوادهمتره دکتر صدر  
( نمایندگان - تشریف ندارند ) بنامت مرحوم

۱- زمین شده سختم تا تو قولش کردی  
آری آری سخن عشق نشانی دارد  
برایش نداده خانه پیدا کرده و باز هم از حضور  
همکاران محترم که اینقدر لطف کردند تشکر میکنم.  
۲- تصویب صورت جلسه ۴۴۴ - ۲۶ اسفند  
قالب و لیس - صورت جلسه مسئله ۱۶ اسفند جلسه  
۴۴۴ توزیع شده است نسبت به آن نظری نیست ، اظهاری

۳- تعیین موقع جلسه بعد - عتم جلسه  
تاریخ و لیس - با اجازت خانها و آقایان جلسه  
را ختم میکنم جلسه بعد ساعت ۹ منتهی خواهد بود .  
(جلسه در ساعت هشده و دقیقه بیست و شش ختم شد)  
بایرینرین مجلس شورای ملی - دکتر حسین عطینی

اندر اینجا تصدیق می شود